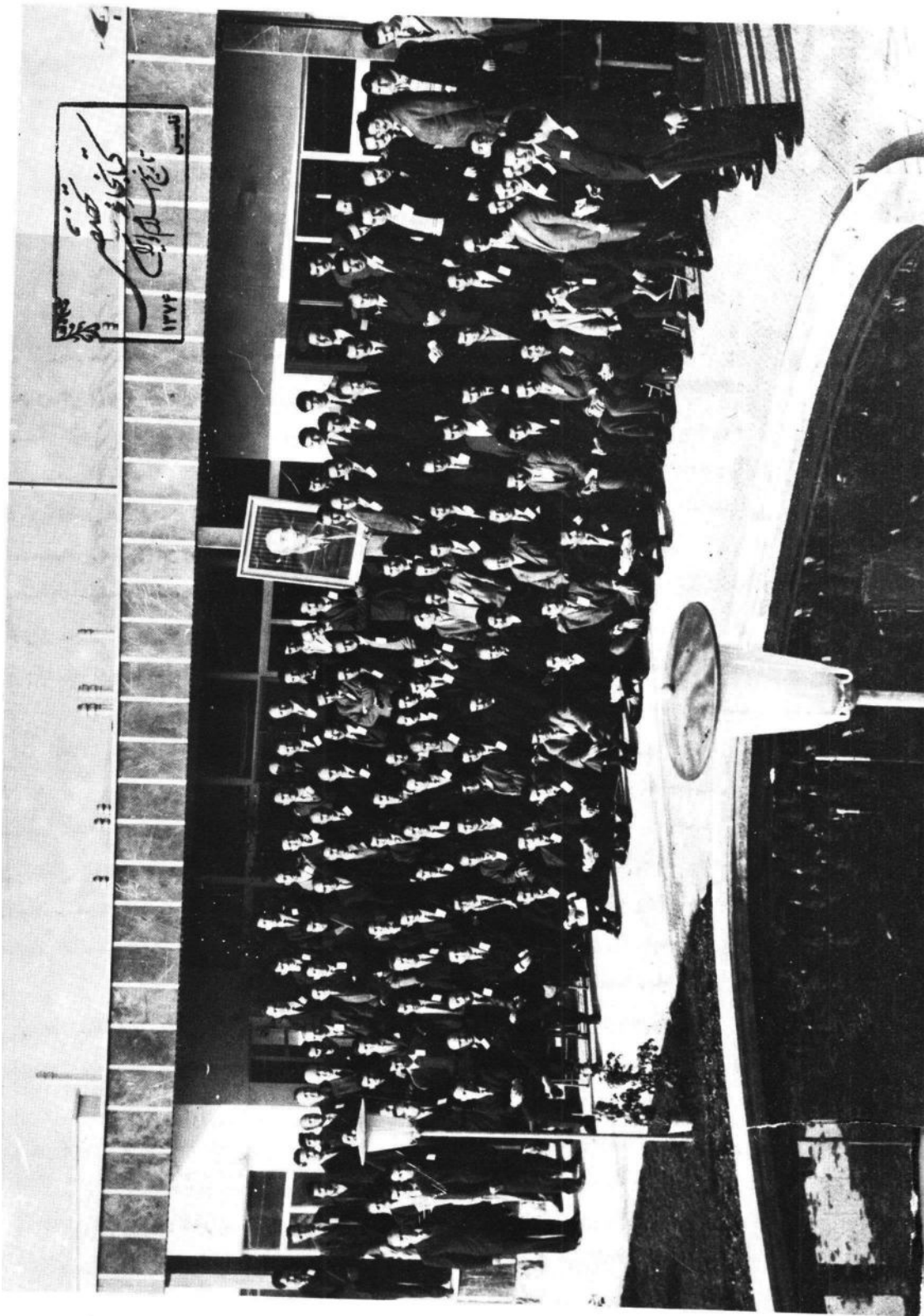


جبهه ملی ایران

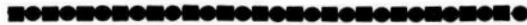
در نخستین روپاروئی با مسائل سازمانی

گنگره سال ۱۳۴۱

قیمت ۸۰ ریال



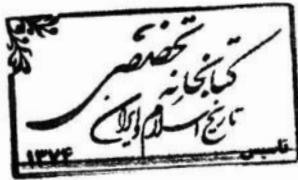
فهرست مطالب



صفحه

عنوان

۳	در راه پیشرفت
۱۰	پیام دکتر محمد مصدق
۱۱	گزارش سیاسی هیأت اجرائی
۳۱	گزارش کمیسیون سیاسی و خط مشی نخستین کنگره
۳۲	قطعنامه نخستین کنگره
۳۳	منشور جبهه ملی
۴۷	قطعنامه سیاسی نخستین کنگره
۵۰	اساسنامه جبهه ملی
۶۰	آئین نامه اولین کنگره
۶۱	اعضاء اولین کنگره
۶۷	منتخبین شورای مرکزی



دوراه پیشرفت

در سال ۱۳۲۸ تشکیل جبهه ملی توسط دکتر محمد مصدق اعلام گردید. جبهه ملی در طول مبارزات انتخاباتی دوره شانزدهم مجلس شورای ملی از افرادی که همراه رهبر نهضت ملی در تحسن تاریخی بمنظور تامین آزادی انتخابات شرکت کرده بودند بوجود آمد. گرچه هدف جبهه ملی، در آغاز کار، جلوگیری از دخالت دولت و هیئت حاکمه در انتخابات مجلس و ایجاد شرایط آزاد و قانونی برای شرکت مردم در انتخابات و تشکیل مجلس مرکب از نمایندگان واقعی ملت بود ولی در مجلس شانزدهم جبهه ملی به رهبری دکتر محمد مصدق با تشکیل اقلیت مبارز مجلس که نمایندگان واقعی ملت بودند مبارزه علیه استبداد و استعمار را وسعت بیشتری بخشید و با طرح شعار ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور و پیروزیهای بیشماری که در قلمرو ملی و بین المللی بدست آورد نهضت ملی ایران را بمراحل جدیدی وارد ساخت.

در این دوران، جبهه ملی در واقع سازمان رهبری نهضت ملی محسوب میشد و دارای تشکیلات مستقلی نبود.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و استقرار مجدد نظام دیکتاتوری و تشدید سلطه استعمار، احزاب و گروهها و سازمانهاییکه در مدت زمامداری دکتر مصدق بعنوان وابستگان جبهه ملی در مبارزات شرکت داشتند همراه سایر عناصر و افراد آزادیخواه نهضت مقاومت ملی را بوجود آوردند و با وجود مداومت فشار و اختناق حکومت استبدادی شاه مبارزه ملت ایران را علیه سلطه استبداد و استعمار ادامه دادند.

در تیرماه ۱۳۳۹ جبهه ملی پس از یک دوران اختناق سنگین تجدید فعالیت خود را اعلام کرد و تشکیلات جبهه ملی با مشارکت احزاب و سازمانها و افراد علاقمند و مومن باصول هدفهای جبهه ملی سازمان یافت.

اصول هدفهای جبهه ملی در سه اصل تنظیم شد و این سه اصل بعنوان مهمترین و اساسی ترین و فوری ترین هدفهای ملت ایران در آنزمان اعلام گردید.

در اصل اول احیاء حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی ملت ایران طبق قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر و مبارزه با هر گونه تجاوز بحقوق و آزادیهای افراد و اجتماعات ذکر گردیده است.

اصل دوم حاکی از استقرار حکومت قانونی ناشی از انتخابات عمومی و آزاد و دفاع از اصول مشروطیت و مبارزه با هر نوع تجاوز با اصول مزبور میباشد .

در اصل سوم اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی براساس حفظ مصالح کشور با توجه باصول و هدفهای منشور ملل متحد و دوستی با همه ملل جهان و پشتیبانی از ملت‌های آسیائی و آفریقائی و مبارزه با هرگونه سیاست استعماری و حمایت از ملی که برای آزادی و استقلال خود میکوشند پیش بینی شده است .

با آنکه حقوق و آزادیهای ملت بر اثر جانبازیها و فداکاریهای پیشروان انقلاب مشروطیت در قانون اساسی ایران و متمم آن منعکس گردید و بعداً نیز بموجب اعلامیه جهانی حقوق بشر بتصویب قوه مقننه ایران رسید اغلب حکومت‌های ایران در دوره‌های بعد از انقلاب مشروطیت هیچگاه نخواستند بر این حقوق ارجحی نهند و در روابط خود با ملت آنرا رعایت کنند .

قانون اساسی ۱۲۲۴ هجری قمری و متمم آن بطور کلی شامل دو قسمت است : یکی تنظیم شکل حکومت و نوع نظام کشور و دیگری بیان نحوه حکومت و اساس قدرت مملکت . شکل حکومت در قوانین اساسی مذکور نظام سلطنتی پیش بینی شده بود ولی در بیان محتوای حکومت قوای مملکت ناشی از ملت تعیین شده و طریقه استعمال آنرا بنحوی معین کرده است که در همه حال اراده ملت حاکم بر کلیه شئون و امور کشور باشد . با اینهمه در طول زمان و علیرغم مقررات قانون اساسی و متمم آن و در دوران دیکتاتوری (رضا خان) و عصر اختناق و استبداد محمد رضا پهلوی آن قسمت از قانون اساسی که مربوط به قدرت ملت و حقوق و آزادیهای مردم بود بطور کامل منسوخ گردید و شاه و دولت‌های غاصب و ضد ملی منصوب شاه باتکای سیاست‌های استعماری مبارزات ملت را برای استقرار اصول آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی بشدت سرکوب کردند و از طریق حبس و زجر و شکنجه و اعدام هزاران مردم آزاده میهن ، کشور ما را عرصه تاراج و غارت مطامع استعماری و عوامل فرومایه خود قرار دادند .

اوراق تاریخ هفتاد ساله کشور ما شاهد کوششها و رنجها و مرارت‌های بسیار ملت ایران برای اعمال حق حاکمیت ملت و رعایت حقوق قانونی مردم میباشد . جبهه ملی در دوران تجدید فعالیت خود با الهام از سنت‌های نهضت ملی و رهبریهای دکتر محمد مصدق اجرای اساسی‌ترین و مهمترین حقوق فردی و اجتماعی ملت ایران مصرع در قانون اساسی و متمم آنرا جزو هدفهای اولیه خود قرار داد .

آزادی عقیده و بیان - آزادی مطبوعات - آزادی انجمنها و اجتماعات حق تشکیل اتحادیه و حق انتخاب نماینده و حق اداره امور از طریق تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی

که از حقوق اجتماعی ملت محسوب میشود و تساوی در برابر قانون - آزادی و امنیت شخصی - امنیت مسکن - آزادی انتخاب اقامتگاه - آزادی مکاتبات - امنیت قضائی - حق کاروتامین در برابر بیکاری - آزادی انتخاب شغل - حق مزد مساوی در برابر کار مساوی - حق مزد منصفانه در مقابل کار - حق استراحت و محدودیت ساعات کار - حق بیمه‌های اجتماعی - آزادی و حق بهره‌مندی از تعلیم و تربیت - آزادی تشکیل خانواده و حقوق خانوادگی که از حقوق فردی مردم ایران بموجب قوانین اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر بشمار میرود بعنوان مهمترین هدفهای مبارزات جبهه ملی محسوب گردید .

در دیماه سال ۱۳۴۱ علیرغم محیط اختناق و فشار رژیم منحنط پهلوی و توطئه‌های سازمان امنیت نخستین کنگره جبهه ملی با شرکت نمایندگان منتخب سازمانهای تشکیلاتی جبهه ملی بوجود آمد و پس از یکدوره بحث و تبادل نظر و تشکیل هیئتهای تخصصی منشور جبهه ملی و اساسنامه آنرا تصویب و اعلام نمود . در منشور جبهه ملی ایران اصول برنامه‌ها که خطوط کلی و جهت اصلی نقطه نظرهای جبهه ملی را مشخص مینماید ذکر گردیده و در اساسنامه پس از بیان اصول هدفها ، تشکیلات جبهه ملی ایران پایه ریزی شده است .

شاه و دولت فرمایشی او که از فعالیتهای جبهه ملی و تشکل مردم و تجهیزگروههای مختلف اجتماعی سخت نگران شده بودند همه سران و تعداد بسیاری از فعالین سازمانهای مختلف جبهه ملی را بازداشت کردند و به یک رفراندم فرمایشی در ششم بهمن ۱۳۴۱ دست زدند و چون توطئه‌های مختلف دستگاه استبداد از جمله توطئه دعوت سران جبهه ملی برای تشکیل حکومت با ناکامی مواجه گردید فشار و تهدید و اختناق و تعقیب ، فعالیت سازمانهای جبهه ملی ایران را متوقف ساخت و هنگامیکه رهبران جبهه ملی و بسیاری از مبارزین ملت در زندانهای استبداد محبوس بودند دستگاه خونخوار قیام ملت را که با رهبری روحانیت مبارز و زعامت حضرت آیت اله خمینی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ افتخارآفرید با کشتار وحشیانه سرکوب کردند .

علیرغم اینهمه اختناق و استبداد پس از گذشت چندین سال نهضت ملی کلیه طبقات و قشرهای جامعه را فراگرفت و جنبش بزرگ ملی اسلامی به یک انقلاب بزرگ تاریخ ایران و به یکی از بزرگترین انقلابات تاریخ جهان تبدیل گردید .
خوشبختانه انقلاب بزرگ ایران تنها به هدفهای نخستین یعنی احیای حقوق و آزادیهای ملت محدود نگشت .

جنبش ملی اسلامی از هدفهای انقلاب مشروطیت پافراتر گذاشت و با واژگونی بنیاد استبداد همه شئون جامعه را در برگرفت .

بدین ترتیب انقلاب بزرگ ملت نمیتوانست در محدوده قانون اساسی جای گیرد .

ملت خواست نظام سیاسی کشور بطور کامل دگرگون شود و رژیم سلطنتی واژگون گردد .
قانون اساسی و متمم آن با آنکه در زمان انقلاب مشروطیت از مترقی ترین قوانین عصر
محسوب میگردد نظر به تکامل افکار ملت و با توجه به عملیاتیکه رضا شاه و محمد رضا
پهلوی و خاندان سلطنت انجام دادند و نظریه ماهیت و موقعیت و وابستگی رژیم سلطنتی
ایران دیگر یک قانون شایسته برای اعمال اراده آزاد مردم و اجرای اصل حاکمیت ملی تلقی

نمیشد و نظام سلطنتی که مانع اساسی برای اجرای قسمتهای دیگر این قوانین یعنی اصول
مربوط به قوای مملکتی و حقوق و آزادیهای مردم گردیده بود باید از میان برداشته میشد .
در پرتو تکامل نهضت ملی ایران در این مرحله تاریخی اعلامیه زیر بعنوان رهبری
جبهه ملی ایران در تاریخ چهاردهم آبانماه ۱۳۵۷ پس از آخرین دیدار از حضرت آیتاله
العظمی خمینی در پاریس انتشار یافت .

" ۱ - سلطنت کنونی ایران با نقض مداوم قوانین اساسی و اعمال ظلم و ستم و ترویج
فساد و تسلیم در برابر سیاستهای بیگانه فاقد پایگاه قانونی و شرعی است .

" ۲ - جنبش ملی اسلامی ایران نمیتواند با وجود بقاء نظام سلطنتی غیر قانونی با
هیچ ترکیب حکومتی موافقت بنماید .

" ۳ - نظام حکومت ملی ایران باید براساس موازین اسلام و دموکراسی و استقلال
بوسیله مراجعه به آراء عمومی تعیین گردد . "

تعیین نظام حکومت از طریق مراجعه به آراء عمومی بالاترین اصل قانونی برای ایجاد
حکومت مردم بر مردم است . این اصل بر کلیه قوانین اساسی رجحان دارد و بر همه
روابط اجتماعی حکومت میکند .

مذاکرات — تصمیمات و مقررات نخستین کنگره

جبهه ملی ایران دی ماه ۱۳۴۱

- پیام دکتر محمد مصدق به نخستین کنگره جبهه ملی ایران
- گزارش سیاسی هیئت اجرائی باولین کنگره جبهه ملی ایران
- گزارش کمیسیون سیاسی و خط مشی منتخب نخستین کنگره جبهه ملی ایران
- قطعنامه نخستین کنگره جبهه ملی ایران در باره اسارت دکتر محمد مصدق
- منشور جبهه ملی ایران
- قطعنامه سیاسی جبهه ملی ایران
- اساسنامه جبهه ملی ایران

— آئین نامه اولین کنگره جبهه ملی ایران

— صورت اعضاء اولین کنگره جبهه ملی ایران

— صورت منتخبین شورای مرکزی از طرف کنگره

دکتر محمد مصدق پیشوای بزرگ ملت ایران در پیامی که در تاریخ پنجم مرداد ۱۳۳۲ خطاب بملت ایران فرستاد موقعیت قانون اساسی را در برابر اراده ملت بشرح زیر بیان کرد .

" آن رادمردان و مجاهدینی که در صدر مشروطیت در راه آزادی و مشروطیت ایران جان باختند و آن خونهاییکه از پیکر افراد فداکار و از جان گذشته برخاک وطن ریخته شد برای این بود که ملت ایران بتواند در سایه آزادی و قانون در خانه خود یعنی در وطن خویش بارفاه و آسایش و سرافرازی زندگی کند . آنها هیچگاه تصور نمیکردند که روزی عده‌ای در پناه قانون اساسی دست به هرپی قانونی بزنند و بنیان مشروطیت و قوانین مملکت را متزلزل سازند . . .

پنجاه سال پیش ضرورت تاریخی ایجاب کرد که ملت ایران در راه آزادی و مشروطیت خود قیام نماید و با ایثار خون بحق خود برسد و قانون اساسی را بوجود آورد . اکنون نیز در لحظات حساس کشور ما در آستانه مرگ و زندگی قرار دارد و دشمنان ایران علیه استقلال و آزادی ما بالاترین تلاش خود را بکار میبرند مصالح کشور ایجاب میکند که ملت ایران تصمیم خود را در باره نهضت ملی و وضع مجلس و دولت روشن کند .

این تنها ملت ایران یعنی بوجود آورنده قانون اساسی و مشروطیت و دولت است که میتواند در این باره اظهار نظر کند و لاغیر . قانونها ، مجلسها و دولتها همه برای خاطر مردم بوجود آمده‌اند و نه مردم بخاطر آنها وقتی مردم یکی از آنها را نخواستند میتوانند نظر خود را در باره آن ابراز کنند .

در کشورهای دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از اراده ملت نیست .

حضرت آیت‌الله خمینی که اصالت ، قاطعیت و نفوذ کلام ایشان در رهبری ملت موجب تحرک و مشارکت گورها و قشرهای عظیمی در مبارزات جنبش بزرگ اسلامی گردید در نطق مهم و تاریخی خود در روز پنجشنبه ۱۲ بهمنماه ۱۳۵۷ در " بهشت زهرا " بابیانی رسا اصل حاکمیت و اراده ملت را چنین اعلام نمودند .

" ملت ما یک مطلبش این بود که این سلطنت پهلوی از اول خلاف قانون بود ، از اول که پایه‌گذاری شد ، برخلاف قوانین بود . آنها که درس من هستند ، دیده‌اند که مجلس مؤسسان با سرنیزه تاسیس شد و ملت هیچ دخالتی در این مجلس نداشت .

وکلایش را بازور وادار کردند که به رضاشاه رای سلطنت بدهند. پس این سلطنت از اول امر باطلی بود، بلکه اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قوانین و قواعد عقلی و حقوق بشر است. چون ما فرض میکنیم که یک نفر سلطان باشد بسیار خوب، اینها از باب اینکه مسلط بر سرنوشت خود شان هستند رای آنها برای آنها قابل عمل است، لکن اگر ملتی رای دادند ولو تمامشان به اینکه اعقاب این سلطان هم سلطان باشد، به چه حقی ملت ۵۰ سال پیش سرنوشت ملت بعد را تعیین میکند.

سرنوشت هرملتی بدست خوداوست. ما در زمان سابق فرض بفرمائید در زمان اول قاجاریه نبودیم، اگر فرض کنیم که سلطنت قاجاریه بواسطه رفراندومی تحقق پیدا کرد و همه یک ملت هم فرض کنیم رای مثبت دادند به آغامحمدخان قاجار و آن سلاطینی که بعدها میآیند.

زمانیکه ما بودیم و زمان سلطنت احمدشاه قاجار بود هیچ یک از ما زمان آغا-محمدخان را ادراک نکرده. آن اجداد ما که رای دادند برای سلطنت قاجاریه، به چه حقی رای دادند که زمان ما، احمدشاه سلطان باشد سرنوشت هرملتی در دست خودش است.

درصد یا صدوپنجاه سال پیش از این یک ملتی یک سرنوشتی و اختیاری داشته او اختیار ماها را نداشته که یک سلطانی را بر ما مسلط کند. ما فرض میکنیم که این سلطنت پهلوی در زمانیکه تاسیس شد به اختیار مردم بود و مجلس موسسان را هم به اختیار مردم تاسیس کردند و این اسباب این میشود که بر فرض اینکه این امر باطل صحیح باشد فقط رضاخان سلطان باشد آنهم برای مردمی که در آن زمان بودند.

و اما محمدرضا سلطان باشد بر آن مردمی که بیشتر شان بلکه الا بعض قلیلی از آنها ادراک آن وقت را نکردند، چه حقی داشتند که در آن زمان سرنوشت ما را در این زمان معین کنند بنابراین سلطنت محمدرضا اولاً " که چون سلطنت پدرش غیرقانونی بود و مجلس بازور و سرنیزه تاسیس شده بود غیرقانونی است. پس سلطنت محمدرضا هم غیرقانونی است. و اگر چنانچه سلطنت رضاشاه هم فرض کنیم قانونی بوده آنها چه حقی داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند. هرملتی سرنوشتش با خودش است. مگر پدرهای ما ولی ما هستند که در ۸۰ یا ۱۰۰ سال پیش از این سرنوشت ما را تعیین کنند. این هم یک دلیل که سلطنت محمدرضا قانونی نیست، علاوه بر این، این سلطنتی که در آنوقت درست کرده بودند و مجلس مؤسسان هم، ما فرض کنیم که صحیح بوده، این ملتی که سرنوشتش با خودش باید باشد در این زمان میگوید که این سلطان را نمیخواهیم وقتی که اینها رای دادند که سلطنت

رضاشاه و سلطنت محمدرضا شاه را و رژیم سلطنتی را نمیخواهیم سرنوشت اینها با خودشان است ، اینهم یک راه برای اثبات اینکه سلطنت او باطل است .
اکنون که بر اثر انقلاب بزرگ ملت رژیم استبداد و استعمار از پای درآمده است و خلق ایران آماده اعلام نظام جدید کشور بر پایه دموکراسی و حکومت عامه میباشد و رژیم جمهوری را بر اساس عدل اسلامی بصورت رسمی و قانونی اعلام خواهد کرد ، جبهه ملی ایران اقدام به انتشار رویدادهای نخستین کنگره سازمانی خود در سال ۱۳۴۱ مینماید تا نسل جوان را با قسمتی از حرکت اجتماعی ملت در طول مبارزات نهضت ملی آشنا سازد .
انتشار این نشریه صرفنظر از بیان جنبه تاریخی مرحله‌ای از مبارزات ملت ، کوشش جبهه ملی را در یکی از سختترین شرایط مبارزه برای سازماندهی نیروهای ملی نشان میدهد .
با انتشار این نشریه ما از همه مبارزان راه آزادی دعوت میکنیم که برای تدوین کامل تاریخ و اسناد مبارزات ملت اقدام نمایند و هویت تاریخی انقلاب بزرگ ملت ایران را مشخص سازند .

دکتر کریم سنجابی

اسفند ماه ۱۳۵۷

متن پیام جناب آقای دکتر مصدق بنخستین کنگره جبهه ملی ایران

کنگره جبهه ملی ایران

احمدآباد ۳ دیماه ۱۳۴۱

تشکیل اولین کنگره جبهه ملی ایران را تهنیت عرض میکنم و بروان پاک دکترسید حسین فاطمی و سایر شهدای راه آزادی که باخون خود مبارزات ضد استعماری را آبیاری کرده اند و با آقایان محترمی که از راه دور و نزدیک برای خدمت به موطنان عزیز کنگره را بقدم خود مزین فرموده اند و همچنین بان کسانیکه در راه خوشبختی و سعادت ایران از هر پیش آمدی هراس نکرده و با کمال شهامت و وظیفه ملی خود را انجام داده اند درود فراوان میفرستم و اجازه میخواهم باستحضار برسانم که جبهه ملی هیچوقت نظری جز اعتلا و عظمت ایران نداشته و همیشه خواهان این بوده که هموطنان عزیز همه در سرگذشت خود دخیل شونده با هرگونه فداکاری وطن عزیز خود را بمقامی که داشت برسانند و این نام عقب ماندگی که در نتیجه بی کفایتی زمامداران گذشته نصیب کشور ما شده از بین برود و این آرزو بنتیجه نمیرسید جز آنکه افرادی شایسته و جوانانی هنوز بهمه چیز نرسیده در مقدرات مملکت شرکت کنند و کشور ایران صاحب رجالی کاردان و فداکار بشود. بدیهی است که این افراد وقتی میتوانند شایستگی خود را بمعرض ظهور در آورند که نیروهای ملی متشکل شوند و هرکس بتواند در اجتماع برتری خود را نسبت بدیگری بمنصه ظهور برساند. بنابراین باید با اتحاد و هم آهنگی کامل و انتخاب افرادی برای عضویت در شورای جبهه ملی آمال و آرزوی افراد وطن پرست عملی شود و درهای جبهه ملی بروی کلیه افراد و دستجات و احزابی که مایل بمبارزه و از خود گذشتگی در راه واژگون ساختن دستگاه استعمار و استبداد هستند مفتوح گردد و منتهای کوشش بعمل آید تا کسانی که خواهان آزادی و استقلال ایرانند بجمع مبارزان بگردند. در روزهای اول مشروطه در این مملکت نه حزبی تشکیل شده بود و نه مردم از اوضاع و احوال دنیا اطلاعات کافی داشتند. پیشرفت مشروطه و گرفتن قانون اساسی با جدیت و فداکاری انجمنهایی بنتیجه رسید که در تهران بعد از زیاد و شاید در حدود صد انجمن تشکیل شده بود و هرکس در یک یا چند انجمن میتوانست عضو شود و با معلومات قلبی که داشت افراد را بحقوق خودشان آشنا کند و در راهیکه طی میشد سوق دهد و باین ترتیب علاقه مردم بمشروطه و قانون اساسی بجائی رسید که در روز بمباران مجلس عده ای کثیر از همه چیز خود گذشتند و در راه آزادی و خدمت به موطنان بمقام شهادت رسیدند و قبرستان شهدای آزادی را برای تشویق اسلاف خود بیادگار گذاشتند.

آرزوی قانون اساسی نبود آنرا گرفتند و امروز که بود آنرا دفن کردند و یک فاتحه بی الحمد هم برای این مدفون نخوانده اند. این است آنچه بنظر اینجانب در پیشرفت سیاست جبهه ملی رسید و اکنون بسته بنظر آقایان محترم است که در اساسنامه جبهه ملی مخصوصا آن قسمت مربوط بشورای جبهه تجدید نظر کنند و جبهه را بصورتی در آورند که موثر شود و هموطنان عزیز بآینده کشور امیدوار باشند بیش از این عرضی ندارم و توفیق آقایان محترم را در خدمت بوطن عزیز خواهانم.

استقرار حکومت قانونی
هدف جبهه ملی ایران است

گزارش سیاسی هیأت اجرائی

باولین کنگره جبهه ملی ایران

توسط

اللهیار صالح رئیس هیئت اجرای

آقای رئیس، نمایندگان محترم :

بسیار خوشوقت و مفتخرم که میتوانم گزارش امور سیاسی و تشکیلاتی جبهه ملی ایران را بحضور اعضای محترم اولین کنگره تقدیم نمایم .

تشکیل این کنگره بخودی خود یک موفقیت و پیروزی بزرگ بشمار میآید زیرا برای اولین بار است که در ایران یک جمعیت سیاسی متشکل از احزاب و افراد توانسته است کنگره مملکتی خود را باین وسعت از طریق انتخابات دموکراتیک و صحیح تشکیل دهد . این امر میتواند نویدبخش یک آینده بهتر برای مملکت تلقی شود در اینکشور کسانی بودند و هستند که ادعا میکنند که نمیتوان به پیشرفت دموکراسی در ایران امیدوار بود و با عبارات گوناگون سعی مینمایند عوارض ناشی از فساد و تباهی دستگاه حاکمه را بعقب ماندگی ملت ایران نسبت دهند و هنوز هستند کسانی که پیوسته تبلیغ میکنند که مردم این کشور فاقد روح همکاری و تشریک مساعی هستند .

پیروزی جبهه ملی ایران در مورد تشکیل اولین کنگره خود برای یکبار دیگر بظلمت این قبیل ادعاها را باثبات میرساند و نشان میدهد هرگاه یک جمعیت سیاسی بر مبنای صحیح تکیه کند میتواند عامل نیرومندی برای پیروزی و رشد دموکراسی باشد .

مبارزات جبهه ملی ایران از سال ۱۳۲۸ که در واقع قسمتی از تاریخ مبارزات استقلال

طلبانه ملت ما و دنباله مجاهدات قهرمانان انقلاب مشروطه است خود سند معتبری بر استعداد و شایستگی ملت ما و آمادگی مردم این کشور برای آزادی و دموکراسی است .

نهضتی که در سالهای آخر جنگ دوم بین المللی با شعار (سیاست موازنه منفی) پایه گذاری شد در شرایط بسیار نامساعد و در میان انبوهی از مشکلات بسرعت رشد کرد و در مدتی کوتاه تبدیل بیک مبارزه وسیع و عظیم ملی گردید که در تحت رهبری خردمندان دکتتر محمد مصدق به پیشرفتهای و پیروزیهای بزرگی نائل آمد . ولی دشمنان خارجی و داخلی که از آنهمه پیشرفتهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی بشدت دچار هراس شده بودند بر ما شیخون زدند و با کمک بیگانگان با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نهضت ملی را از مواضع حکومتی عقب راندند .

با کودتای ۲۸ مرداد کشور ما وارد مرحله جدیدی شد : از آن تاریخ کلیه آثار دموکراسی در کشور محو گردید - قانون اساسی که خونبهای شهدای مشروطه است یکباره زیر پا گذاشته شد - آزادی مطبوعات - آزادی اجتماعات - آزادی بیان و عقیده و حتی مصونیت منازل و مساکن نیز از میان رفت و هزاران نفر از افراد فداکار و مبارز جبهه ملی ایران بسپاه چال زندانها افکنده شدند و عدهای شریعت شهادت را نوشیدند که در راس آنها باید از مرحوم دکتتر سید حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت دکتتر مصدق نام برد .

در آن دوران سپاه صدها امتیاز مجله و روزنامه ملغی گردید و چاپخانهها تحت کنترل و نظارت شدید قرار گرفتند . اشخاص حتی در منازل خود نیز تامین نداشتند - بسیاری از خانهها شبانه مورد هجوم و تفتیش قرار گرفت . نه تنها مطبوعات بلکه مراسلات مردم نیز از سانسور مصون نماند .

چنانکه همه بخاطر داریم در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دژ خیماں حکومت پلیسی بکلاسهای دانشگاه نیز حمله بردند و سه جوان میهن دوست بیگناه: قندجی ، شریعت رضوی و بزرگ نیارا با مسلسل بقتل رسانیدند .

در اوایل دوران سپاه کودتا - عمال استبداد رهبر و پیشوای ملت و کسیکه نام ایران را در سراسر جهان قرین افتخار گردانید یعنی دکتتر محمد مصدق را در یک دادگاه غیر قانونی بمحاكمه کشیدند . کسیکه امپراطوری عظیم انگلیس را در شورای امنیت و دادگاه بین المللی محکوم ساخته و بهزانو در آورده بود بوسیله چند افسر بی اراده ایرانی محکوم و زندانی شد .

گناه و گناه بسیار بزرگ دکتتر مصدق پاره کردن زنجیرهای استبداد و استعمار از دست و پای ملت ایران بود و این گناهی بود عظیم و نابخشودنی .

البته در ظاهر امر یک افسر مصروع بنام دادستان و چند صاحب منصب بی اراده

پیشوای ملت را محاکمه میکردند ولی در حقیقت این سیاست استعماری بود که قهرمان نهضت‌های ملی دوران جدید را بوسیله عمال مطیع خویش بمحاکمه میکشید. دکتر محمد مصدق رهبر خردمندی که نهضت ما را از یک پیروزی به پیروزی دیگر هدایت کرده بود در آن دادگاه غیرقانونی پیروزمندانه دستگاه حاکمه و سیاست استعماری و عمال کودتا را با شکست روبرو ساخت.

در طی آن محاکمات غیرقانونی دکتر مصدق مانند یک مدعی العموم ادعای نامت ایران را علیه مستبدین و دشمنان وطن بیان نمود و از طرف همه شهدای راه آزادی و انقلاب مشروطه و جمیع افرادی که در طی نیم قرن اخیر برای استقلال و آزادی و مشروطیت مبارزه کرده بودند اصول دموکراسی و حقوق ملت ایران را تشریح و حدود پادشاه مشروطه را مشخص ساخت و تجاوزاتی که بوسیله پادشاه و دستگاه استبدادی بر حقوق ملت و قانون اساسی صورت گرفته بود یک بیک شمرد و در معرض افکار عمومی جهانیان قرار داد.

عمال کودتا بخیال خود دکتر محمد مصدق پیشوا و رهبر ملت را محاکمه و محکوم نمودند ولی در حقیقت دکتر مصدق آنها را محاکمه و در دادگاه افکار عمومی محکوم ساخت. پرونده محاکمات دادگاه غیرقانونی و نظامی سلطنت آباد و دادگاه غیرقانونی تجدید نظر بعنوان ادعای نامت ملت ایران علیه مستبدین در دادگاه تاریخ ثبت است و ملت رشید و ارجمند ایران سرانجام با مبارزات خود اصول حکومت دموکراسی را بر طبق آنچه دکتر مصدق تشریح نمود در کشور مستقر خواهد ساخت.

باری در چنان شرایط و در محیط خفقان و رعب و وحشت دستگاه جابر حاکمه برای آنکه بکارهای خود ظاهر قانونی ببخشد انتخابات هیجدهمین دوره قانونگزاری را برزنده ترین و زشت ترین صورتها بانجام رساند.

همه بخاطر داریم که افراد ملی را از رفتن بحوزه های انتخاباتی خود ممنوع میساختند و در آن ایام افراد مردم نه تنها امکان نزدیک شدن بصندوقهای آراء را نداشتند بلکه حتی در نزدیکی حوزه های اخذ رای نیز تامین جانی برای افراد وجود نداشت. از حوادث دلخراشی که در اطراف بعضی از این حوزه ها اتفاق افتاد همگی مطلعیم: دسته های چاقوکش و مسلح باسلحه سرد و گرم بطور دائم در اطراف محلهای اخذ رای مراقبت میکردند و با ایجاد رعب و وحشت و نشان دادن سلاح افراد مردم را متوحش و از نزدیک شدن بمحل انتخابات باز میداشتند.

در مجلسی که محصول چنین انتخاباتی بود قراردادهای مورد نظر را از تصویب گذراندند و بخیال خود بر پیروزیهای ملت ایران قلم بطلان کشیدند. از جمله قرارداد کنسرسیوم نفت بود که همه بیاد داریم که در آن ایام جمعی از رجال

و استادان دانشگاه ضمن نامه‌ای که بدفتر مجلس شورای ملی تسلیم گردید نسبت بقراردادیکه باکنسرسیوم نفت منعقد میشد اعتراض نمودند هنوز چند صباحی از این اعتراض گذشته بود که عده‌ای از امضاء کنندگان توقیف و زندانی شدند و حتی کلیه استادانی که اعتراضنامه مذکور را امضاء نموده بودند برخلاف قانون از خدمت منصرف گشتند . در آن دوران امکان هر نوع بیان عقیده از میان رفته بود وبهین علت مبارزات ملت‌ایران تحت عنوان (نهضت مقاومت ملی) در شرایط غیرعلنی صورت میگرفت . آن ایام با همه سختی‌ها و مشقاتی که برای افراد فداکار در برداشت یکی از پرافتخارترین دوران مبارزات ملی بشمار می‌رود . کسانیکه در آن روزها در مبارزه شرکت میکردند در واقع از جان و مال گذشته وهمه چیز خود را در راه نهضت ملی وسربلندی وطن درطبق اخلاص گذاشته بودند گروه انبوهی ازبازاریان- دانشجویان - معلمان - کارگران و کسبه وروشنفکران در آن روزها بزندانهای قرون وسطائی و تبعیدگاههای بد آب و هوا فرستاده شدند که جا دارد در این میان از مرحوم حاج محمد حسن شمشیری نامی برده شود ، وی و جمعی دیگر از بازاریان ماههای متوالی در جزیره خارک در بدترین شرایط در حبس و تبعید بسر بردند و صدمات سنگین بر آنها وارد آمد . انتشارات نهضت و احزاب و دستجات ملی در آن ایام علیرغم موانع و با وجود خطرات بیشمار بسبب فداکاریهای افراد مومن و صمیمی نسبتاً وسیع بود و در شرایطی که هیچ نوع روزنامه و نشریه علنی و آزاد در اختیار مردم نبود این انتشارات مردم کشور را در جریان حوادث و حقایق اوضاع قرار میداد .

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حکومت سرلشکر بازنشسته فضل‌الله زاهدی علاوه بر محوآزادیها و حقوق ملت - فساد وتباهی عجیب و بیسابقه‌ای جمیع دستگاههای حکومتی واداری را در خود فرو برد .

دزدی و رشوه و اختلاس و اتلاف بیت المال ملت بصورتی درآمد که تا آن زمان سابقه و نظیر نداشت . کسانیکه بر نهضت ملی ما شبیخون زده بودند وقتی زمام امور را بدست گرفتند چون گرگهای گرسنه با حرص و ولع بر منابع درآمد و بودجه مملکت یورش آوردند و بچنان چپاول و غارتی دست زدند که شرح آن بافسانه بیشتر شبیه است. ارقام سوءاستفاده متصدیان امور در دوره دولت زاهدی تا آنجا که بوسیله خود دستگاه افشاء شده سربه‌صدها میلیون ریال میزند - کار رسوائی دولت کودتا و عمال آن سرانجام بجائی رسید که دیگر بقای چنان دولتی امکان نداشت وداستان فسادآن ازسرکوی و بازار بمطبوعات و رادیوهای جهان کشانده شد .

در چنان شرایطی ناگزیر دولت زاهدی مرخص و آقای حسین علاء جانشین آن گردید و شعار مبارزه با فساد عنوان شد .

دولت علاء بعنوان دولتی که برنامه آن مبارزه با فساد و دزدی و رشوه خواری است معرفی شد بدیهی است در دنبال تباهیهای دوران زاهدی هیئت حاکمه ناگزیر بود چنین تبلیغاتی را عنوان کند ولی هنوز مدتی نگذشته بود که این حقیقت مسلم برجہانیان روشن شد که بین دولت فاسد زاهدی و دولت ضد فساد حسین علاء کوچکترین تفاوتی وجود ندارد و هر دو از لحاظ ماهیت - هدف و نتیجه کار یکی هستند ، در دوران حکومت علاء فساد با شدت هرچه تمامتر ادامه یافت - محیط خفقان و فشارهای غیرقانونی و محو آزادیهای اجتماعی و فردی بهمان صورت که بود حفظ شد ، زندانهای فرمانداری نظامی از عناصر ملی انباشته بود و در سلولهای زندانها سه تا چهار برابر ظرفیت اصلی آنها زندانی وجود داشت ، و در همان محیط و با همان شرایطی که انتخابات دوره هیجدهم صورت گرفته بود و بلکه از جهاتی در شرایط بدتر انتخابات دوره نوزدهم در محیطی شبیه قبرستان صورت گرفت و در همین اوقات بود که چند نفر از مبارزان ملی را بنقاط بد آب و هوای بوشهر و کازرون و برازجان و لار تبعید نمودند ، بیرون کشیدن اینجانب از مجلس که برای اعتراض بانخابات فرمایشی در آنجا تحصن اختیار کرده بودم و محبوس کردن اینجانب و چند نفر از همکاران در خانههای شخصی نمونه‌ای از عملیات حق شکنانه آنروز است و بدین شکل مجلس فرمایشی جدید برای مدت چهار سال بر ملت تحمیل گردید .

در دوران حکومت علاء پیمان بغداد از تصویب مجلس غیرقانونی گذشت - این پیمان که دستگاه حاکمه انعقاد آنرا یکی از پیروزیهای خود در سیاست خارجی معرفی میکرد بزودی بوضع فلاکت باری درآمد و حتی بمناسبت آنکه بغداد از آن خارج شد ناگزیر شدند اسم آنرا عوض کنند ،

باری در اواخر حکومت علاء حکومت نظامی ملغی گردید ولی بجای آن یک حکومت نظامی دائمی و بمراتب شدیدتر و خشن‌تر از آن پایه گذاری شد باین معنی که یکدستگاه قرون وسطائی انگیزسیون تحت عنوان (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) تاسیس گردید که علاوه بر اختیارات حکومت نظامی اختیارات وسیع‌تری را نیز دارا بود . سازمان امنیت از نخستین روزهای تاسیس چون هیولائی بر زندگی مردم کشور ما سایه افکند ، فشارتعددی ارباب - حبس و زجر و شکنجه - توقیف غیرقانونی - سانسور مطبوعات - جلوگیری از اجتماعات و محو آزادیهای فردی و اجتماعی بهمان شدت سابق بوسیله سازمان امنیت ادامه یافت و حتی اختیارات محاکم عدلیه که بموجب قوانین اساسی مقرر شده است بموجب یک قانون تحمیلی بسازمان امنیت و دادگاههای نظامی سپرده شد تا از هر حیث دست عمال استبداد در حبس و توقیف مردم باز و آزاد باشد .

در چنین شرایطی و پس از شکست کامل دولت علاء و برنامه دروغین آن - دکتر

منوچهر اقبال بعنوان نخست وزیر بخدمت گماشته شد . دوران چهارساله حکومت اقبال یکی از سیاه ترین ادوار تاریخ کشور ما بشمار میآید .

در این دوران کوتاه دهها میلیارد ریال درآمد ارزی کشور تلف شد که برای محاسبه و شرح آن صفحات متعدد لازم است . این دوره از لحاظ درآمد ارزی یکی از سرشارترین دوره‌های تاریخ ایران بود و در خاور میانه کمتر کشوری وجود داشت که دارای چنین درآمد ارزی هنگفتی باشد ولی دستگاه حاکمه استعماری برای آنکه نگذارد وضع اقتصاد ایران بهبود یابد و بنیه مالی کشور تقویت شود برطبق نقشه قسمت اعظم درآمدهای ارزی را بحیب بازرگانان و سرمایه داران خارجی سرازیر کرد و با این عمل دو ضربه مهلک بر پیکر اقتصاد ملی ایران وارد آورد - نخست آنکه درآمد ارزی کشور را که بهترین وسیله برای توسعه امور تولیدی و پایه گذاری اقتصاد صنعتی بود بهدر داد و دوم آنکه بازار کشور را از کالاهای خارجی انباشته ساخت و صنایع جوان مملکت را با رقابت شدید صنایع بین المللی روبرو گردانید و آنرا فلج کرد . در آن دوره برای توجیه عملیات اقتصادی خانمان براندازی که صورت میگرفت نظریه‌های عجیبی عنوان میشد که از آن جمله باید به نظریه سخیف "تورم ارزی" اشاره کرد .

بموجب این نظریه چون درآمد ارزی کشور بسیار زیاد بود و سبب افزایش اندوخته ارزی کشور میگردد میبایست درهای مملکت را بروی کالاهای خارجی باز مینمودند تا با ورود کالاهای مصرفی و تحمیلی اندوخته ارزی کشور بسرعت بمصرف برسد و آماس نکند !

از همین محمل میتوان حدیث مفصل خواند . در آن دوران خیابانهای تهران و شهرهای عمده بصورت نمایشگاه دائمی کالاهای بی مصرف و تفننی خارجی درآمد . در دوره حکومت اقبال که خود را بحق چاکر و غلام خاندزاد مینامید نه تنها از فساد کاسته نشد بلکه بمراتب بر دامنه آن افزوده گشت . در میان ظلمات این فساد و تباهی دستگاه حاکمه برای آنکه چهره حقیقی خود را مخفی کند عنوان مبارزه با فساد را ادامه داد و قانون معروف "ازکجا آورده‌ای ؟" بتصویب رسید . توجهی بچگونگی رفتار دستگاه حاکمه با آن قانون که بمحض تصویب عملاً مدفون گردید یکی از کاملترین نمونه‌های فساد را در پیش چشم مجسم میسازد . دولت اقبال بعنوان (دولت کار) آمده بود ولی از کار آن بنیه اقتصادی مملکت روز بروز ضعیف‌تر شد و سرانجام کار بجائی رسید که در اواخر حکومت او مملکت با ورشکستگی روبرو گردید .

در تمام دوران اقبال نظیر دوره علاء و زاهدی حکومت استبدادی در قالب دموکراسی ادامه داشت در اوایل این دوره برای آنکه با صحنه سازی حقایق را مکتوم و مخفی سازند فرمان تاسیس دو حزب دولتی صادر گردید که حقیقتاً در هیچ دوره و در هیچ کشوری چنین

بازی مضحک و در عین حال خجلت آوری در طول تاریخ سابقه و نظیر نداشته است . دو حزب دولتی که بموجب فرمان تاسیس شده بودند مانند بازیگران تماشاخانه‌ها بروی صحنه سیاست آمدند و با حرکاتی خنده‌آور مدتی ببازیگری ادامه دادند .

در اواخر دوران اقبال دستگاه حاکمه از همه سو دچار بن‌بست گردید : بازیها و صحنه‌آرایی‌های مبارزه بافساد و قانون از کجا آورده‌ای و حرکات ساختگی دوحزب‌فرمایی با رسوائی و شکست پایان یافته بود وضع اقتصادی بصورت فلاکت باری در آمده بودوباین ترتیب دستگاهی که با کودتای ۲۸ مرداد بر مملکت مسلط شده بود آثار کارخودرا در معرض قضاوت جهانیان قرار میداد - فقر - بیکاری و ورشکستگی از یکطرف خشم و نفرت مردم از طرف دیگروتضادهای سیاسی بنوبه خود موقع هیئت حاکمه را بیش از پیش متزلزل میساخت و دستگاه حکومت استبدادی از همه سو خود را در معرض تزلزل و اضمحلال میدید .

درچنین شرایطی بودکه آندستگاه برای صحنه‌آرایی‌های جدیدموضوع آزادی انتخابات را پیش کشید و اعلام کرد که انتخابات دوره بیستم بطور آزاد صورت خواهد گرفت ، اعلام این مطلب خود بهترین سند بر عدم آزادی دو انتخابات دوران کودتا بشمار میرود .

بن‌بست‌هایی که در برابر هیئت حاکمه قرار گرفته بود و نیز تحولاتی که بسبب تغییر اوضاع بین‌المللی روی داده بود سبب شد که مردم کشور ما بااستفاده از موقع مبارزات خود را تشدید نمایند ، در آن ایام در حالیکه محیط خفقان همچنان ادامه داشت و از آزادی مطبوعات - آزادی بیان عقیده و آزادی اجتماعات اثری دیده نمیشد - در شرایطی که اجتماع چند نفری در خفا صورت میگرفت و ماموران سازمان امنیت پیوسته مراقب بودند و از ایجاد هیچ نوع فشار و ایراد تهدید و جبر و ارعاب خودداری نداشتند در اوضاع و احوالی که مسافرت از یک شهر بشهر دیگر درزیر نظر ماموران سازمان امنیت و تحت مراقبت آنان صورت میگرفت و روزنامه‌ها حق درج کوچکترین مطلبی را نداشتند - درچنین محیطی ابتدا با صدور اعلامیه‌ای بامضای شخص اینجانب و سپس بصورت سازمانی جبهه ملی ایران تجدید فعالیت خود را اعلام داشت و با استفاده از شرایطی که با شروع انتخابات پیش آمده بود مبارزات خود را تشدید نمود . در جریان انتخابات تابستانی درحالیکه دوحزب دولتی که بمنظور صحنه سازی مانند هنرپیشگان تماشاخانه‌ها بمعارضه با یکدیگر پرداخته بودند و برای همین صحنه گردانی خنده آور از تمام وسایل و امکانات و حتی از رادیوها و هواپیماهای دولتی استفاده میکردند جبهه ملی ایران حتی از بدیهی‌ترین حقوق اولیه نیز محروم بود و حتی روزنامه‌ها در ازای دریافت اجرت‌های گزاف جرات درج آگهی‌های انتخاباتی جبهه ملی ایران را نداشتند و اجتماع افراد ملی در خفا و در نهایت احتیاط صورت میگرفت و برای چاپ چند سطر اعلامیه آنهم در خفا زحمت و وقت و کوشش بسیار لازم بود

سرانجام انتخابات تابستانی در یک محیط غیرقانونی و در شرایط خفقان صورت گرفت و نمایندگان تحمیلی بر طبق لیستی که قبلاً "تنظیم شده بود و سازمان امنیت مامور اجرای آن بوده معرفی شدند و اعتبارنامه‌های خود را دریافت داشتند ولی رسوائی این انتخابات بقدری عالمگیر شد که گردانندگان نتوانستند براساس آن مجلس بیستم را تشکیل دهند و بالاخره مبارزات ملت رشید ایران سبب شد که انتخابات باطل مذکور کان لم یکن گردد و بدنبال آن حکومت دکتراقبال پس از چهار سال تباهی و رواج فساد و انحطاط اخلاقی سرنگون گردید .

خلف او آقای مهندس شریف امامی قدم بقدم راهی را که دکتراقبال و سایر غلامان بی اراده پیموده بودند با وجود صدور اعلامیه مربوط به آزادی انتخابات طی کرد و در همان شرایط و با همان شیوه‌ها انتخابات زمستانی را بانجام رساند . در آن دوره مبارزات جبهه ملی در تهران باوج شدت خود رسیده و با وجود شرایط نامساعد و محیط خفقان ده‌ها هزار نفر از مردم تهران در جلسات سخنرانی‌های جبهه ملی در زیر برف و باران با وجود خطرات بیشمار جمع میشدند و ساعتها با ابراز شور و شوق و با هیجانی بیسابقه به سخنان ناطقان گوش میدادند - در حالیکه در همان چهاردیواری حتی تامین جانی هم نداشتند چنانکه بخاطر داریم و شاید عده کثیری از آقایان نمایندگان نیز خود حاضر و شاهد بوده‌اند در خانه ۱۴۳ خیابان فخرآباد دچار محاصره و حمله چاقوکشان شدند که اگر متانت و ابراز رشد فوق العاده از طرف مردم نبود ممکن بود فاجعه‌ای هولناک بوقوع پیوندد .

در تمام دوره انتخابات زمستانی - آزادی مطبوعات کمافی السابق وجود نداشت و روزنامه‌ها حتی مجاز نبودند نام جبهه ملی را در ستونهای خود درج کنند . دستگاه جابر حاکمه با ایجاد تضيیقات و جلوگیری از انتشار اعلامیه و محو آزادی نطق و آزادی قلم اکتفا ننمود و سرانجام صدها تن از دانشجویان و بازاریان - کارگران - پیشه‌وران و روشنفکران را روانه زندانها ساخت و کار تعدی و تجاوز را بجائی رسانید که سران جبهه ملی را که بعنوان اعتراض بمجلس سنا رفته و متحصن شده بودند در همان محل زندانی کرد و با محاصره کردن سنا و قطع ارتباط متحصنین با خانواده‌هایشان شرایطی بوجود آورد که حتی از شرایط زندان نیز شدیدتر بود و رفتار دولت و ماموران سازمان امنیت در وارد آوردن فشار بمتحصنین و بی اعتنائی بمجلس سنا بحدی زننده بود که رئیس مجلس سنا با تحمل بردباری که از خود نشان میداد یکروز نتوانست خودداری کند متأثر شده و بگریه افتاد . مبارزات وسیع و دامنه‌دار مردم شرافتمند ایران که تحصن اعضای شورای مرکزی جبهه ملی و اعتصاب و تحصن بیسابقه دانشجویان تهران در محوطه دانشگاه و مبارزات بازاریان و

اجتماع آنان در جلو مسجد ارک که مواجه با حمله قوای مسلح و ایراد ضرب و شتم نسبت به روحانیون گردید و نیز مقاومت دلیرانه دانشجویان دانشگاه تهران در روز بعد از تحصن که مورد هجوم پلیس و قوای مسلح واقع شدند و اجتماع چندین ده هزار نفر از مردم در خانه ۱۴۳ و خیابانهای اطراف و انتشار میلیونها برگ اعلامیه و تراکت و قطعنامه‌های گوناگون از طرف جبهه ملی که در سخت‌ترین و نامساعدترین شرایط انجام میگرفت و مقاومت مردم شهرستانها در برابر تحمیلات سازمان امنیت نمونه‌های برجسته‌ای از آن مبارزات بشمار می‌آید بر روی اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران تاثیر عمیقی بخشید و اگر چه صدها تن بسیاه چال زندانها افتادند و عده‌ای مجروح شدند و صدمات و خسارات سنگین بر جمعی دیگر وارد آمد ولی این جنبش بزرگ نشان داد که نهضت ملی ایران در جامعه ایرانی دارای ریشه‌های بسیار عمیقی است که دوران طولانی حکومت‌های بعد از کودتا نتوانسته است آنرا ضعیف نماید. در این میان بی‌مناسبت نیست از مبارزات جدی و خردمندانه مردم کاشان نیز یاد شود. این مردم دلیر و هوشیار هفت ماه و نیم تمام در شرایطی بسیار سخت و طاقت فرسا مبارزه و ایستادگی کردند و سرانجام علی‌رغم توطئه‌ها و تلاش‌های هیئت حاکمه موفق شدند شرایط یک انتخابات آزاد را بدستگاه حاکمه جابر تحمیل نمایند. و در نقاطی نظیر آبادان و مسجد سلیمان بجهت ایستادگی مردم تحمیل کاندیدای دولتی امکان پذیر نشد ولی در تهران و سایر شهرها سازمان امنیت و دستگاه‌های حکومت استبداد توانستند با زور و فشار و حبس و تبعید کاندیداها و زندانی ساختن جمعی از آنان آنچه مورد نظر بود انجام دهند و مجلسی مطابق میل خود بوجود آورند و در حالیکه جمع کثیری از دانشجویان و بازاریان و کارگران و روشنفکران و نیز عده‌ای از کاندیداهاى مردم در زندانها بودند آن مجلس را افتتاح نموده و بآن رسمیت بخشیدند.

هیئت حاکمه تصور کرده بود با افتتاح آن مجلس کار تمام است و میتواند چهار سال دیگر با حفظ ظواهر دموکراسی حکومت استبدادی خود ادامه دهد ولی هنوز دیرینه نگذشته بود که رسوائی چنین انتخاباتی ننگین و مجلس ساختگی عالمگیر شد و مبارزات دلیرانه مردم تهران و شهرستانها بطلان این خیالات واهی را به ثبوت رساند و سرانجام دولتی که معلمان و دانشجویان را در میدان بهارستان بگلوله بست و از گون گردید.

قتل فجیع مرحوم دکتر خانعلی که آخرین صحنه ننگین دوران زمامداری آندولت بود طوفانی از خشم و نفرت بوجود آورد و چنان هیجانی را دامن زد که مقاومت در برابر آن برای دستگاه حاکمه غیرممکن بود و ناگزیر در برابر مردم عقب نشینی کرد و دولت ساقط گردید ولی عمال حکومت بلافاصله پس از این عقب نشینی بتحکیم مواضع خود پرداختند و این بار برای آنکه بتوانند در برابر شرایط جدیدی که در اثر رشد مبارزات ملی بوجود

آمده بود مقاومت نمایند دولتی جدید که مورد تمایل خاص خارجیان بود با برنامه‌های جدیدتر بمیدان فرستادند .

دکتر علی امینی با عرضه کردن یک برنامه فریبنده و ایراد نطقهای طولانی بروی کار آمد و متجاوز از یکسال وقت مملکت را با نطقهای رادیوئی و خطابه‌های بی انتها تلف نمود . در دوران حکومت امینی کار فضاحت دستگاه حاکمه بیش از پیش بالا گرفت - تا آنزمان حکومت استبدادی قالب دموکراسی را حفظ نموده بود ولی پس از سقوط شریف‌امامی گردانندگان اصلی و عاملین حکومت استبدادی آن ظواهر و قالبها را نیز بدور انداختند . مجلس بیستم را که نگاهداری آن با آنهمه رسوائی‌ها غیرممکن بود همان کسانیکه خود سازنده و خالق آن بودند منحل ساختند و باین ترتیب بعمر رژیم پارلمانی ظاهری نیز خاتمه دادند .

بموجب اصل ۴۸ اصلاحی که خود واضح آن بودند و مستند انحلال پارلمان قرار گرفته بود میبایست انتخابات جدید ظرف یکماه صورت گیرد و مجلس ظرف سه ماه افتتاح شود ، گردانندگان اصلی انتخابات تابستانی و زمستانی که خود منحل کنندگان مجلس نیز بودند از اجرای انتخابات سرباز زدند و علیرغم اعتراضات شدید مردم تهران و شهرستانها هر روز بهانه‌های انتخابات را بتعویق انداختند .

مردم تهران بدعوت جبهه ملی ایران در روز ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ برای اعتراض نسبت به تعطیل مشروطیت در میدان جلالیه گرد آمدند . این اجتماع عظیم که در تمام طول تاریخ مبارزات سیاسی ایران نظیر آن دیده نشده است در واقع بمنزله یک رفواندم بود ، در این روز جمع انبوه مردم چون اقیانوسی متلاطم میدان جلالیه را فرا گرفته بود و حاضران هماهنگ و یکصدا سخنان ناطقان را تایید میکردند و باین ترتیب تعطیل مشروطیت و تعویق انتخابات از طرف مردم محکوم گردید ولی دستگاه حاکمه چنانکه شیوه‌اوست نسبت باین اعتراضات خود را بی اعتناء نشان داد .

دکتر امینی برای تعویق بیشتر انتخابات زمانی نواقص قانون را عنوان و بهانه قرار داد و زمانی دیگر موضوع (کارت الکترا ل) و اصلاح نظامنامه را پیش کشید و سرانجام بدون پرده پوشی بهانه آنکه شرایط اجتماعی ایران آماده برای اجرای انتخابات نیست موضوع را بکلی منتهی شده اعلام کرد .

عمال هیئت حاکمه در این دوران برای آنکه به نظام مشروطه پایان دهند و تجاوز نسبت بر رژیم مملکت را توجیه کنند با وجود آنکه دیوانعالی کشور در جواب دولت صریحا " اعلام داشته بود که تغییر و اصلاح قانون انتخابات جز بوسیله پارلمان امکان ندارد و تاخیر انتخابات باین بهانه‌ها جایز نیست نظریه‌هایی عرضه میکردند که صرفنظر از سخافت و

سستی آن اصولاً بطور آشکار برضد رژیم قانونی مملکت بود .

مسئله تاسیس دموکراسی از دهات - دموکراسی از پائین و این قبیل عناوین هر روز بشکلی از طرف عمال دستگاه نظریه‌سازان حکومت استبدادی عنوان و مطرح میگردید . چنانکه میدانیم استعمارگران و مستبدین در طول تاریخ همواره برای توجیه تجاوزات خود نسبت بحقوق و آزادیهای مردم مطالبی از قبیل (عدم آمادگی مردم برای استقلال) و (عدم شایستگی ملت برای برخورداری از دموکراسی) و غیره را عنوان کرده‌اند و میکنند و بموجب آن چنین جلوه میدهند که ملتی که تحت سلطه استعمار بسر میبرد هنوز آماده برای داشتن استقلال نیست و باید همچنان تا مدتها تحت سرپرستی سیاست استعماری بسر برد و نیز مستبدین چه در ایران و چه در خارج همیشه برای ادامه حکومت استبدادی و جلوگیری از حقوق و آزادیهای ملت نظریه‌هایی از قبیل ایجاد دموکراسی از پائین و دموکراسی از دهات و آماده ساختن مردم برای قبول دموکراسی و نظایر آن را عنوان کرده‌اند و میکنند تا بدانوسیله جلو دموکراسی را سد نمایند .

در اینجا لازم نیست که در باره این نوع نظریه‌ها بحث کنیم ولی تذکر این نکته لازم بنظر میرسد که اصولاً علت اصلی عقب ماندگی اقتصاد و صنعت و فرهنگ در کشورهای آنی که تحت سلطه استعمار و استبداد بسر میبرند همان سیاست استعماری و استبدادی است و این عقب ماندگیهای اقتصادی و فرهنگی که معلول آن سیاستهاست هرگز نشانه عدم لیاقت و شایستگی ملتها برای استقلال و آزادی نبوده و نیست .

باری نظریه تاسیس دموکراسی از دهات بعد از یکسال نطق و خطابه چون حباب صابون ترکیب و از میان رفت و با شکست کامل مواجه شد . در اینجا لازم است برای نشان دادن سوء نیت نظریه‌سازان و کارگردانان هیئت حاکمه باین مطلب اشاره شود که همین دستگاہی که نظریه دموکراسی از پائین را عنوان کرده بود خود اجرای قوانین دکتر محمد مصدق و نیز قانون انجمن‌های شهر را در بوته اجمال و فراموشی افکند و از اجرای آنها خودداری نمود . مسئله دیگری که دستگاه استبدادی برای ادامه تعطیل مشروطیت و جلوگیری از حقوق و آزادیهای مردم عنوان کرد عدم آمادگی محیط اجتماعی ایران برای اجرای انتخابات بود ، عناصر هیئت حاکمه چنین تبلیغ میکردند و میکنند که با وجود مالکان بزرگ آزادی انتخابات میسر نیست و برای آنکه محیط برای اجرای انتخابات آزاد آماده شود لازم است که اول اصلاحات ارضی صورت گیرد و بساط مالکان بزرگ برچیده شود و آنگاه انتخابات انجام گیرد .

قبل از ورود در این مطلب باید صراحتاً اعلام شود که حبه ملی ایران نه تنها مخالف اصلاحات ارضی نیست بلکه طرفدار جدی آنست و نظر بماهیت و اصول عقاید خود

و بخاطر مصالح ملک و ملت معتقد است که نظام کشاورزی ایران باید بنحوی دگرگون شود که زارع مالک دسترنج و حاصل کار و زحمت خود گردد و اقتصاد فلاحی متناسب با رشد صنعتی کشور شود و بطور کلی ما معتقدیم که باید زرع از آن زارع باشد و باین اصل مسلم پایبند هستیم . بعلاوه ما معتقدیم عده کثیری از مالکان بزرگ خود جزء هیئت حاکمه و از عوامل مطیع آن و مباشر و مامور اجرای کارهای خلاف قانون و تجاوزات و تعدیات دستگاه حکومت استبدادی بوده و هستند .

ولی در مورد تبلیغات و نظریه‌های انحرافی عمال هیئت حاکمه در این خصوص لازم است چند نکته را یادآور شویم - نخست آنکه خرابی و فساد انتخابات ایران مستقیماً ناشی از مراکز قدرت هیئت حاکمه بوده که با تکیه به نیروی نظامی و عوامل سیاسی با صندوق سازی و ارباب و تهدید از آزادی انتخابات جلوگیری نموده‌اند و افراد مورد نظر را بر کرسی‌های پارلمان نصب میکرده‌اند و در این میان مالکان بزرگ نیز بعنوان عضو هیئت حاکمه و مامور اجراء و مباشر اعمال خلاف قانون دستگاه عمل مینموده‌اند و از خود اراده و استقلالی نداشته‌اند چه در دوره انتخابات تابستانی و زمستانی و چه در ادوار قبل از آن فساد انتخابات و جلوگیری از آزادی مطبوعات و اجتماعات و توقیف و حبس کاندیدها و مبادرت بصندوق سازی و غیره همه مستقیماً بوسیله مقامات مسئول و غیر مسئول دستگاه حاکمه صورت میگرفته است .

نکته دیگر آنکه اگر فرضاً این نظریه غلط و مزورانه را در مورد روستاها و مناطق کشاورزی قبول کنیم این آقایان در مورد انتخابات تهران - تبریز - مشهد - اصفهان - آبادان - رشت - اهواز - یزد و سایر شهرها که نمایندگان آنها اکثریت مجلس را تشکیل میدهند چه جواب میدهند؟ آیا کسی جز عمال حکومت به توقیف و حبس و تبعید کاندیدها و جلوگیری از آزادی اجتماعات و مطبوعات مبادرت میکرده است ؟ مگر صدها دانشجو و بازاری و کاسب و معلم که در دوره انتخابات زمستانی بسیاه چالهای قزل قلعه و سایر زندانها افکنده شدند بوسیله کسی جز هیئت حاکمه بآن صدمات دچار شدند ؟ .

منظور دستگاه حاکمه از طرح مسئله اصلاحات ارضی چنانکه در نشریه‌های جبهه ملی بتفصیل تشریح شده مطالب دیگری است که باید کاملاً مورد توجه نمایندگان محترم قرارگیرد و نشریات ما باید سخافت و انحرافی بودن آن نظریه‌ها را بر مردم کشور آشکار سازد . مطلب بحد کافی روشن است - تکیه‌گاه اصلی هیئت حاکمه سیاست استعماری است که هر روز بشکلی برای حفظ منافع خود تلاش میکند و امروز هم در قالب مبارزه با (فتووالیسم) برای حفظ مواضع سیاسی خود در برابر نهضت ملی بمیدان آمده و بخیال خود میخواهد باین وسیله اذهان را از مبارزات ملی و ضد استعماری متوجه جهات دیگر سازد و رننگ و روغنی بدستگاه زنگ زده خود بزند و قیافه اصلاح طلبی بخود بگیرد .

مشکل اساسی که دستگاه حاکمه استبدادی و استعماری با آن روبرو است مسئله نهضت ملی ایران است که امروز باوج خود رسیده است - تمام این نوع تلاشها و انقلابی گریها و اصلاح طلبی های دروغین فقط برای آنستکه در برابر این نهضت بزرگ بتوانند بازهم برای چند صباحی دیگر مواضع سیاسی و حکومتی خود را حفظ کنند .

باری در دوره زمامداری دکتر امینی بیبانه (آماده کردن اوضاع اجتماعی ایران برای قبول دموکراسی) بر دموکراسی و مشروطیت قلم بطلان کشیدند و از اجرای انتخابات سر باز زدند . در تمام آندوران فشار و خفقان بهمان صورت که بود ادامه یافت و از آزادی اجتماعات - آزادی مطبوعات و آزادی بیان عقیده کمافی السابق اثری نبود و حتی کارفشار و تعدی بجائی رسید که از اجتماع مردم در گورستانها و بر سرزمینها نیز جلوگیری میکردند چنانکه در روز ۲۹ تیرماه ۱۳۴۰ در حالیکه اعضای شورای مرکزی جبهه ملی مشغول قرائت فاتحه در گورستان ابن بابویه بودند مقدمات توقیف آنها فراهم و در همان محل توقیف و از آنجا مستقیماً" بزندانها فرستاده شدند و فردای آن روز صدها نفر از مردم تهران را در خیابانهای شهر مضروب و مجروح و جمع کثیری را توقیف کردند و برخلاف قانون ماهها در زندان نگهداشتند .

هنوز چند ماهی از این فجایع نگذشته بود که پادشاه مملکت یعنی مقامیکه برای حفظ قانون اساسی بقرآن مجید سوگند یاد کرده است با صدور فرمان ششماهه ای یکباره برقوانین اساسی قلم بطلان کشید و در واقع فرمان انحلال رژیم مشروطیت را منتشر ساخت . بموجب این فرمان حق وضع و تصویب قوانین که از وظایف مختصه مجلس است به دولت واگذار گردید و آخرین ضربت بر رژیم قانونی مملکت وارد آمد .

جبهه ملی ایران که حفظ قانون اساسی و اجرای کامل اصول آن و استقرار حکومت قانونی را هدف خود قرار داده نمیتوانست در برابر این تجاوز آشکار نسبت بر رژیم کشور سکوت اختیار کند و ناگزیر اعتراضات شدید مردم را منعکس و هموطنان شرافتمند را دعوت نمود که از حقوق خود و رژیم مملکت دفاع نمایند و با ایستادگی و ابراز رشادات مانع از آن شوند که پس از نیم قرن از صدور فرمان مشروطیت کشور رسماً" و علناً" بنظام ناصرالدين شاهی رجعت کند .

دستگاه حاکمه در برابر اعتراضات منطقی و مستدل و قانونی ما بتوطئهها و نیرنگهای گوناگون دست زد و سرانجام در روزاول بهمن ۱۳۴۰ بدون آنکه حتی بهانه ای وجود داشته باشد بدانشگاه تهران هجوم آورد . در آنروز که خاطره تلخ آن هرگز فراموش نخواهد شد صدها تن از دانشجویان و دانش آموزان بزشت ترین و فجیع ترین وضع در محوطه مدارس و داخل کلاسها و دانشکدهها بوسیله قوای مسلح مضروب و مجروح شدند و بساختمان

دانشکده‌ها و کلاسها و کتابخانه‌ها و آزمایشگاهها خسارات سنگین وارد آمد و مهاجمین حتی دانشجویان خارجی را از اطاقهای خواب بیرون کشیدند و عده‌ای از آنها را مضروب و مجروح نمودند . بدنبال این جنایات شرم‌آور تا چندین روز شهر تهران را بحیاط رعب و وحشت تبدیل کردند و صدها تن از بازاریان و کسبه و محصلان و معلمان و اسنادان دانشگاه را بازداشت و بزندان افکندند و دانش‌آموزان بیگناه را بگلوله بستند و یک تن از آنان (مهدی کلهر) را شهید کردند و حتی جنازه او را نیز دزدانه بگورستان فرستادند و سپس دامنه کار را تا شهرستانها وسعت دادند و جمع دیگری را در شیراز و اصفهان و مشهد و تبریز زندانی ساختند . دانشگاه تهران و چندین دانشگاه دیگر را ماههای متوالی تعطیل نمودند و بدینسان بخیال خود امکان هر نوع مقاومت مردم را در برابر تجاوز رژیم مشروطه و قانون اساسی از میان بردند ولی مقاومت دلیرانه ملت در داخل و فرزندان لایق وطن در خارج خیلی زود آنها را از خواب غفلت بیدار کرد . بدنبال جنایات شرم‌آور هیات حاکمه در روز اول بهمن ۱۳۴۰ موجهی از اعتراض و تظاهرات شهرهای عمده ایران رافراگرفت و بزودی دامنه آن تا خارج از کشور بسط یافت ، در شهرهای پاریس ، کلن ، مونیخ ، هامبورگ ، لندن ، وین ، نیویورک و سایر شهرهای مهم اروپا و آمریکا صدها و هزاران تن از دانشجویان ایرانی نسبت بفجایع دستگاه استبداد با برآز تنفر و تظاهرات مبادرت ورزیدند و گروهی از دانشجویان آسیائی و آفریقائی و اروپائی نیز برای ابراز همدردی بصوف منظم آنها ملحق گشتند .

تظاهرات اعتراض آمیز ایرانیان مقیم اروپا و آمریکا تاثیر عمیقی بر روی افکار جهانیان بخشید و بسیاری از نقشه‌های دستگاه را باطل ساخت .

کوششهایی که از مدتها قبل از آن تاریخ برای دریافت قرضه‌های جدید و تشکیل کنسرسیوم قرضه صورت گرفته بود و دستگاه بآن چشم امید داشت در اثر آن تظاهرات و مقاومت‌های دلیرانه یکباره عقیم ماند و حکومت استبدادی با شکست سختی مواجه شد .

در شهرهای مهم اروپا و آمریکا طی اجتماعات دانشجویی قطعنامه‌های مستدل و قاطع علیه دستگاه استبداد و جنایات اول بهمن پی در پی صادر گردید که مهمترین آنها قطعنامه دهمین کنفرانس بین المللی دانشجویان بود که طی آن با صراحت و قاطعیت رژیم استبدادی و جنایت پیشه هیات حاکمه ایران از طرف دانشجویان جهان محکوم شناخته شد . دستگاه حاکمه نزد خود تصور کرده بود که در اثر هجوم اول بهمن و ارتکاب آنهمه جنایات هول‌انگیز قدرت تشکیلاتی و سیاسی ما را در هم شکسته است و میتواند با ایراد یک سلسله اتهامات ناروا و منتسب ساختن نهضت مقدس ما بحریانات چپ و راست اعمال شرم‌آور خود را توجیه کند ولی برخلاف این تصورات فاجعه اول بهمن نه تنها قدرت مقاومت

ما را درهم نشکست بلکه برعکس پایداری و ادامه مبارزات ملی نشان داد که نهضت مقدس ما بیش از آن عمیق و ریشه دار است که بتوان بوسیله این نوع نوطه‌ها بر ارکان آن خلی وارد آورد .

ما از زیر ضربات جنایت آمیز هیات حاکمه سربلندتر و سرسخت‌تر برخاستیم و بجزیران لطماتیکه بر تشکیلات جوان ما وارد آمده بود پرداختیم و دستگاه حاکمه از ارتکاب آنهمه فجایع نتوانست طرفی بریندد .

تلاشهای آنها برای دریافت قرضه‌های خارجی عقیم ماند . کنسرسیوم قرضه که خود زنجیر جدیدی بر دست و پای ملت ما بود نتوانست پا بعرصه وجود گذارد . کوششهاییکه برای دریافت کمک و وام از دولت آمریکا صورت گرفت همه بی نتیجه ماند و دنیا بیش از پیش به تزلزل اوضاع ایران و بی ثباتی هیات حاکمه پی برد .

بعد از حوادث اول بهمن تعطیل مشروطیت همچنان ادامه یافت و دیگر حتی وعده دور و نزدیک نیز برای شروع انتخابات داده نشد ولی مبارزه ملت خاتمه نیافت و همچنان با سرسختی دنبال گردید تا سرانجام دولت امینی که با مشکل لاینحل بودجه و مشکلات بیشمار دیگر روبرو بود ناگزیر مسند دولت را ترک گفت و یک فرد مطیع و فرمانبردار دیگر یعنی امیر اسدالله علم مامور تشکیل کابینه گردید .

دولت علم که بتمام معنی کلمه مثل سایر دولتهای دوران ده ساله اخیر دولتی مطیع و گوش بفرمان شناخته شده ، موضوع ساختمان دموکراسی از پائین و آماده ساختن اوضاع اجتماعی ایران برای انتخابات و سایر نظریه‌ها و شعارهای سخیف دولت سابق را ادامه داد و همان راه را در پیش گرفت ، مشروطیت همچنان بحال تعطیل باقی ماند و علاوه بر روشها و برنامه‌های انحرافی سابق برای گذراندن وقت و اغفال مردم شعارهای بی اساس جدید نیز طرح شد که از آنجمله طرح این عنوان بود که میخواهد بافکار و عقاید جمعیت‌های مخالف احترام بگذارد و روی این عنوان تقاضای ملاقات کرد و چند جلسه با نمایندگان جبهه ملی بمذاکره پرداخت ولی اعلامیه تاریخی هفتم آذر ماهیت واقعی دستگاه استبدادی را بار دیگر آشکار ساخت .

عنوان دیگر کابینه علم که میخواهد انجمنهای ایالتی و ولایتی را تشکیل دهد — همچنان بی اساس و برای گذراندن وقت بود .

این دولت که اکنون متجاوز از پنج ماه است زمام امور مملکت را در دست دارد جز افزودن بر فساد و تباهی و خراب تر کردن اوضاع اقتصادی مملکت و متشنج ساختن کشور و ادامه تعطیل مشروطیت کار دیگری انجام نداده است .

آقای رئیس، نمایندگان محترم . این بود آنچه از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا کنون بر وطن

عزیز و ملت ارجمند ما گذشته است . نزدیک به ده سال از آن روز میگذرد وقایع این مدت طولانی را در چند کلمه (ظلم) ، (فشار) ، (چپاول بیت المال) ، (تجاوز بقانون) ، (تسلیم در برابر مطامع بیگانگان) ، (حبس و زجر و شکنجه آزادیخواهان) ، (ورشکستگی اقتصادی مملکت) و رواج دزدی و فساد میتوان خلاصه کرد . از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قوانین اساسی کشور که با خون شهیدان راه آزادی نوشته شده در طاق فراموشی آویخته شد و بساط حکومت مطلقه و استبدادی مجدداً برپا گردید . پادشاه که بر طبق اصل ۴۴ متمم قانون اساسی از مسئولیت مبری است و نباید بامور حکومت مداخله نماید عملاً و علناً "جانشین قوای ثلاثه مملکت شدند و با صدور فرمان شش ماده‌ای بطور آشکار قانون اساسی و رژیم مشروطه را ملغی ساختند .

در تمام این ده سال نخست وزیران و وزراء که بموجب قوانین اساسی در مقابل پارلمان مسئولیت دارند و نمیتوانند فرمانهای کتبی و شفاهی پادشاه را مستمسک قرارداده از خود رفع مسئولیت نمایند و در همه حال باید مجری مصوبات مجلس باشند در عمل جز اجرای دستورهای پادشاه وظیفه دیگری برای خود قائل نبودند . مسائل سیاست داخلی و خارجی از جزئی و کلی با مداخله مستقیم شخص پادشاه حل و فصل شده و میشود و در این خصوص چنان تبلیغ و تظاهر شده که عدم تاثیر وزیر مسئول در اداره امور مملکت برهمگان آشکار شده است .

قوانین اساسی که روابط میان ملت و مقام سلطنت مشروط را معین نموده است و شخص اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی برای حفظ و صیانت آن بقرآن مجید سوگند یاد کرده اند علناً و عملاً ملغی گردیده و ملت ایران و کسانی را که بر رژیم سلطنت مشروطه وفادار هستند ولی در عین حال پابند حفظ و حمایت از سایر اصول قانون اساسی هم میباشد مواجه با این سؤال نموده است که در صورت ادامه این وضع چگونه میتوانند نسبت بمعظم له‌بچشم یک پادشاه مشروطه بنگرند ؟

جبهه ملی ایران که مرکز تشکل و تجمع عناصر ملی و منعکس کننده آرزوهای ملت ایران است و از طرف اکثریت قریب باتفاق افراد ملت حمایت میشود مبارزه تاریخی خود را تا حصول پیروزی و استقرار حکومت قانونی ادامه خواهد داد و همانطور که پیشوای بزرگ ملت در دادگاه غیرقانونی سلطنت آباد گفت در این راه از هیچ مشکلی هراس بسدل راه نخواهد داد .

ما معتقدیم که تا هیأت حاکمه متکی باستعمار و دستگاه حکومت استبدادی منکوب نگردد و حکومت قانونی در کشور مستقر نشود رسیدن بسایر آرزوها و هدفهای ملی و اصلاحات در شئون اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مملکت عملاً غیرممکن است و بهمین سبب است

که جبهه ملی ایران خط اصلی مبارزه خود را در این جهت سوق داده است .
نه تنها از تاریخ تجدید فعالیت بلکه از شروع مبارزه نهضت ملی ما همواره باین
حقیقت توجه داشته‌ایم که آنچه سبب تباهی و فساد و خرابی وضع اقتصادی و اجتماعی
ایران شده است وجود دستگاه حکومت استبداد و متکی باستعمار است و بهمین سبب اساس
مبارزه را در جهت استقرار حکومت قانونی و قطع نفوذ استعماری و پایه گذاری حکومت ملی
قرار داده‌ایم .

آقایان نمایندگان محترم توجه دارند که قوانین اساسی کشور ما درگیرودار انقلاب
مشروطه تدوین گردیده است و بخصوص متمم قانون اساسی در دوره‌ای نوشته شده که انقلاب
مشروطه در معرض خطر هجوم مستبدین بود در آن اوضاع و احوال نویسندگان واقع بین و
دقیق یعنی نمایندگانیکه بوسیله مشروطه خواهان و انجمنهای انقلابی انتخاب شده بودند
برای حفظ حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی نهایت دقت را مبذول داشتند .
قانون اساسی ما یک قانون دموکراتیک است که نه تنها محصول انقلاب ملی است بلکه
اصولا" درگیرودار همان انقلاب نوشته شده و بهمین سبب حاوی کلیه حقوق و آزادیهای
ملت ایران است .

بموجب آن اصول مسلم و خدشه ناپذیر در کشور ما رئیس الوزراء و وزراء فقط در
مقابل پارلمان مسئول هستند و فرمانهای کتبی و شفاهی مقام سلطنت وقتی قابل اجراست
که بامضای وزیر مسئول رسیده باشد و وزراء نمیتوانند دستورهای کتبی و شفاهی پادشاه را
مستمک قرار داده از خود رفع مسئولیت نمایند و نیز تصویب قوانین منحصر" در اختیار
پارلمان است و توشیح قوانین از جمله حقوق پادشاه است بدون آنکه بتواند ، از اقدام آن
خودداری نماید یا آنرا بعهدہ تعویق اندازد . دولتها با رای مجلس میبندد و با رای عدم
اعتماد مجلس میروند . حقوق اجتماعی و فردی ملت ایران ، مصونیت مسکن ، آزادی اقامتگاه ،
آزادی انتخاب شغل ، مصونیت مراسلات و مکاتبات از تفتیش ، آزادی مطبوعات و اجتماعات
و آزادی بیان و عقیده و سایر آزادیها همه بطور منجز و صریح و بدون ابهام در قوانین
اساسی ما مسجل گردیده و حدود اختیارات هر مقام مشخص گردیده است .

اگر امروز وضع دیگری را مشاهده میکنیم باین سبب است که آن قوانین انقلابی رازیر
پا گذاشته‌اند و یک حکومت استبدادی و فعال مایشا برپا کرده‌اند . جبهه ملی ایران که
احیای حقوق و آزادیهای اجتماعی و فردی ملت ایران را هدف اصلی خود می‌شناسد یک
جمعیت قانونی است و بالعکس دستگاه حاکمه یک سازمان غیرقانونی و اقدامات و اعمال آن
نیز غیرقانونی است .

ما با این دستگاه غیرقانونی و مستبد مبارزه خواهیم کرد و آنقدر مبارزه را ادامه

خواهیم داد تا سرانجام حکومت قانونی و ملی را در کشور برقرار سازیم و هدفهای اساسی انقلاب مشروطه را جامه عمل بپوشانیم .

با توجه بوظایف سنگینی که بعهدہ داریم و با التفات باوضاع و احوال دنیای امروز ما از آغاز تجدید فعالیت جبهه ملی باین حقیقت مسلم توجه نمودیم که اجرای وظایف ملی و استقرار حکومت قانونی بدون داشتن ابزار مناسب عملی نیست و بهمین سبب از نخستین روز بامر تشکیلات توجه نمودیم و بکار آن همت گماشتیم تا آنجا موفق شدیم که نخستین کنگره خود را اکنون میتوانیم تشکیل دهیم .

تشکیل این کنگره نشانه‌ای از موفقیّت ما در امر تشکیلات است. در دو سال اخیر قسمت عمده وقت و فعالیت ما مصروف امر تشکیلات بوده است زیرا ما باین حقیقت که پیشوای ما دکتر مصدق اعلام داشته است ایمان داریم و صمیمانه معتقدیم که فقدان تشکیلات سیاسی و اجتماعی سبب شده است که ملت ما استقلال خود را از دست بدهد .

جبهه ملی ایران در دوره جدید کار خود را از تدوین اساسنامه شروع کرد و این در مقام مقایسه با سال ۱۳۲۸ رشد و پیشرفت فوق العاده ما را نشان میدهد. در آنسال ما با یک اعلامیه کلیه مردم را دعوت کردیم که برای الغاء حکومت نظامی و اجرای انتخابات آزاد و استیفای حقوق ملت ایران از نفت بمبارزه برخیزند و بدینسان جبهه ملی بوجود آمد . مبارزه ما وسعت گرفت و مواضع بسیاری بدست ملت افتاد . در برابر آن پیروزیها، دشمن بتدارک پرداخت و سرانجام برماشایخون زد و آن مواضع را از دست ما بیرون آورد . علت عمده موفقیّت دشمن در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ضعف تشکیلاتی نهضت ملی ایران بود و این همان نکته‌ای است که پیشوای ما در نامه خود خطاب بسازمان جبهه ملی ایران در امریکا بآن اشاره نموده است .

ما با توجه باین حقایق پس از صدور اعلامیه سی‌ام تیر ۱۳۳۹ مبنی بر تجدید فعالیت جبهه ملی بتدوین اساسنامه پرداختیم و ضمن آن تشکل نهضت ملی ایران را هدف قرار دادیم . اساسنامه تشکیلات جبهه ملی را پایه ریزی کرد و آنرا از حوزه‌ها تا کمیته‌های شهرستانها و استانها و شورای مرکزی و کنگره پیش بینی نمود .

از دو سال کارتشیکلاتی اگر چه در نتیجه تضییقات و فشارهای هیئت حاکمه تمام انتظارات ما برآورده نشده ولی آنچه بدست آمده بسیار جالب است . توجه افراد و ابراز علاقه آنها برای مشکل شدن و اقبال نسبت بتشکیلات حقیقه‌نوید بخش بوده است .

در طی این مدت تقاضای شرکت در حوزه‌ها و تشکیل حوزه‌های جدید بقدری زیاد بوده که در مواردی تشکیلات و سازمانهای ما از لحاظ وسایل کار از قبیل تهیه محل و معرفی گوینده دچار مشکلاتی میشده‌اند .

در این کشور کسانی بوده‌اند که پیوسته تبلیغ میکردند مردم این سرزمین دارای روحیه اجتماعی و حس همکاری نیستند و اینان چنین جلوه میداده‌اند که افراد ملت ما آمادگی برای متشکل شدن در جمعیتها و سازمانهای سیاسی ندارند - دو سال کار تشکیلاتی در جبهه ملی برای یکبار دیگر نشان داد که این نوع تبلیغات تا چه پایه بی‌اساس و دروغ بوده است .

باری فعالیت تشکیلاتی ما از تاریخ تجدید فعالیت تا امروز ثمربخش و موثر بوده است و اکنون میتوان گفت که در امر تشکیلات ما از مراحل اولیه عبور کرده‌ایم و پایه‌های مستحکمی بوجود آمده است که تشکیلات عظیم و وسیعی را میتوان بر آن بنا و استوار نمود. اینک ما نخستین میوه تشکیلات یعنی اولین کنگره را در پیش چشم داریم و یقین است که در سالهای آینده کنگره‌های بزرگتر و مهمتری خواهیم داشت و با سعی و همت و پشتکار افراد فداکار و مومن تشکیلات ما روز بروز رشد و نضج و استحکام بیشتر بدست خواهد آورد .

اکنون لازم است گزارش فعالیت‌های تشکیلاتی دو سال اخیر را باطلاع نمایندگان محترم برسانم ؛ چنانچه خانمها و آقایان توجه دارند شورای مرکزی جبهه ملی در تیرماه ۱۳۳۹ تاسیس گردید و بموجب اساسنامه برای اداره امور جبهه با انتخاب هیئت اجرائی پرداخت . تنظیم و اداره امور تشکیلاتی - مالی - تبلیغات و انتشارات و تعلیمات و امور خارج از کشور و هرگونه امور اجرائی دیگر بعهده هیئت اجرائی و اعضای آن محول بوده است که اکنون بشرح و ترتیب زیر گزارش هر یک از قسمتهای مذکور را باستحضار نمایندگان محترم میرسانم .

گزارش کمیسیون سیاسی و خط مشی منتخب نخستین

کنگره جبهه ملی ایران

نمایندگان محترم نخستین کنگره جبهه ملی ایران هفتم دیماه ۱۳۴۱

پس از انتخاب اینجانبان بسمت اعضای کمیسیون سیاسی و خط مشی از طرف آن نمایندگان محترم کمیسیون مزبور در اولین فرصت بتشکیل جلسه مبادرت نمود و نخست برای تنظیم امور و اجرای وظایف خود در اولین جلسه آقای مهندس جهانگیر حق شناس را بسمت رئیس و آقای اصغر پارسا را بسمت مخبر و آقای دکتر شریعتمداری را بسمت منشی کمیسیون انتخاب نمود و پس از بحث و مطالعه در اطراف وظایف محول برنامه کار و حدود قلمرو ماموریت خود را برطبق مدلول آئین نامه کنگره مشخص ساخت و آنگاه طی چهار جلسه متوالی بمطالعه گزارشها و پیشنهادهائیکه رسیده بود پرداخت. باید یادآور شویم که گزارشهای جامع و مشروح کمیسیونهای جبهه ملی یعنی کمیسیون امور سیاسی و کمیسیون امور اجتماعی و کمیسیون امور اقتصادی جبهه که از طرف شورای مرکزی سابق در ۱۳۴۰ انتخاب شده بودند اجرای وظایف این کمیسیون را سهلتر ساخت و بار سنگینی از دوش اعضای کمیسیون سیاسی و خط مشی برداشت. سه کمیسیون مذکور حاصل یکسال ونیم مطالعات و تحقیقات خود را بشکل گزارشهای دقیق تنظیم و اندکی پیش از تشکیل نخستین کنگره بهیئت اجرائی تسلیم نموده بودند.

هیئت مذکور آن گزارشها را عینا برای مطالعه در اختیار اعضای این کمیسیون گذاشت که حقا مورد استفاده کامل قرار گرفت و نیز پیشنهادهای افراد و جزوهها و یادداشتهاائیکه بکمیسیون رسیده بود و همچنین ملاحظاتیکه افراد شفاها در کمیسیون و یا خارج از آن بیان داشته بودند تماما مورد بررسی قرار گرفت. پس از مطالعات و بحث و مذاکرات لازم کمیسیون بتنظیم اصول برنامهها و خط مشی تحت عنوان "منشور جبهه ملی ایران" اقدام نمود و بعلاوه دو قطعنامه سیاسی و نیز شعارهای لازم برای مرحله فعلی مبارزات را تدوین کرد که اینک هریک جداگانه بکنگره محترم تقدیم میگردد.

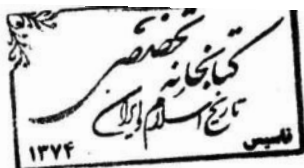
مهندس جهانگیر حق شناس - مهندس مهدی بازرگان - اصغر پارسا - دکتر کریم - سنجابی - دکتر اردلان - ابوالفضل قاسمی - دکتر مرجائی - دکتر شریعتمداری - دکتر فریدون عطاری - عباس نراقی - محمد علی خنجی .

قطعنامه نخستین کنگره جبهه ایران

اکنون قریب ده سال است که پیشوا وفائد ارجمند ملت ورهبر خردمند نهضت ملی ایران جناب آقای دکتر محمد مصدق در شرایط اسارت بسر میبرد. عمال استعمار پس از شبیخون بر نهضت مقدس ما و ارتکاب آن همه فجایع برای آنکه از ملت ایران و مظهر اراده او انتقام بگیرند، دکتر مصدق پرچمدار بزرگ مبارزات ضد استعماری ملت‌های آسیا و آفریقا را در یک دادگاه نظامی و غیرقانونی محاکمه و بگناه پاره کردن زنجیرهای استعمار و بندگی از دست‌وپای یک ملت که هشتاد سال بحبس محکوم ساختند و سپس همان رویه‌های خلاف قانون و صحنه‌سازیهای شرم‌آور را در مرحله تجدیدنظر در یک دادگاه غیرقانونی دیگر تجدید نمودند و سرانجام یک رای فرمایشی نیز از دیوان کشور بر آن افزودند و سه سال تمام رهبر عالیقدر ما را که جهان بشریت بوجود مردی چون او افتخار میکند در زندان لشگردوزرهی محبوس ساختند. عمال استعمار و استبداد پس از خاتمه این حبس غیرقانونی باز هم از آزاد ساختن پیشوای ملت ایران خودداری کردند و معظم‌له را در احمدآباد مانند یک اسیر جنگی محصور و محبوس نمودند که از آن تاریخ تاکنون همچنان در قید و بند بسر میرد. نمایندگان اولین کنگره جبهه ملی ایران با استفاده از این فرصت در اولین قطعنامه خود نسبت باین جنایت شرم‌آور فریاد اعتراض خود را بگوش جهانیان می‌رسانند و عموم هموطنان ارجمند و جمیع کسانیرا که در سراسر جهان برای آزادی و شخصیت انسانی و حقوق اولیه بشری احترام قائلند مخاطب قرار داده و از آنان می‌خواهند با کنگره جبهه ملی ایران همصدا شده نسبت باین عمل ننگین هیئت حاکمه فاسد ایران اعتراض نمایند و شکایت اعتراض خود را در مطبوعات و جراید جهان و در کلیه مراجع قضائی ملی و بین‌المللی منعکس ساخته و آزادی فوری و بدون قید و شرط او را خواستار شوند.

دکتر محمد مصدق مظهر ملت ایران و حبس و اسارت او نشانه حبس و اسارت ملت

که هشتاد سال ایران است.



منشور جبهه ملی ایران

مقدمه

جبهه ملی ایران بموجب اساسنامه مصوب ششم دیماه ۱۳۳۹ اصول هدفهای خود را ضمن سه اصل بشرح زیر مشخص ساخته است :

اصل اول - احیای حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی ملت ایران برطبق قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر و مبارزه با هرگونه تجاوز بحقوق و آزادیهای افراد و اجتماعات .

اصل دوم - استقرار حکومت قانونی ناشی از انتخابات عمومی و آزاد و دفاع از اصول مشروطیت و مبارزه با هر نوع تجاوز نسبت باصول مذکور .

اصل سوم - اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی براساس حفظ مصالح کشور با توجه باصول هدفهای منشور ملل متحد و دوستی با همه ملل جهان و پشتیبانی از ملت‌های آسیائی و افریقائی و مبارزه با هرگونه سیاست استعماری و حمایت از مللی که برای آزادی و استقلال خود میکوشند .

بترتیب فوق هر یک از اصول سه گانه هدفهای جبهه ملی ناظر بر یکی از مسائل اساسی اجتماع ایران است . در اصل اول وضع افراد ملت در برابر یکدیگر و نیز در برابر دستگاه حکومت مورد توجه قرار گرفته و در اصل دوم اساس حکومت و نظام اجتماع مشخص گردیده و در اصل سوم موقع سیاسی کشور در جامعه جهانی مورد بررسی واقع شده است و باین ترتیب جبهه ملی ایران در اصول هدفهای خود مهمترین و اساسیترین مسائل اجتماعی امروز را مورد توجه قرار داده است . مسائلیکه ضمن سه اصل مذکور بآنها توجه شده در واقع اساس تمام مشکلات امروزی جامعه ما را تشکیل میدهد و در راس امور دیگر قرار دارد و تا تکلیف آن مسائل روشن نشود تامین هدفهای دیگر عملاً مشکل و شاید غیرممکن است زیرا تا سلطه استعماری و حکومت استبدادی دست نشانده آن ادامه داشته باشد اصلاحات در شئون اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و تامین رفاه طبقات محروم و ایجاد

یک جامعه مرفه و مترقی و یک سازمان سالم و مفید عملاً امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین کوشش در راه تامین و اجرای اصول سه‌گانه فوق‌مقدم بر هر نوع مبارزه دیگر است و نخستین کنگره جبهه ملی ایران خط اصلی مبارزات جبهه ملی را در گذشته تأیید نموده و ادامه آنرا در همان مسیر لازم میدانند.

جبهه ملی ایران نیروئی است تاریخی که وارث سنتهای ملی انقلاب مشروطه و مبارزات آزادیخواه و استقلال طلبانه ملت ایران است و بنابراین علاوه بر تامین هدفهای اساسی که ضمن سه اصل فوق‌مقرر گردیده است از لحاظ تثبیت میانی حکومت قانونی و برانداختن سلطه اقتصادی و سیاسی استعمار از کشور و پایه‌گذاری اقتصاد ملی و حفظ و حراست آن وظایف سنگینی برعهده دارد که اجرای آنها مستلزم مجاهدات و مبارزات جدی و قاطع است.

مبارزه ما مبارزه‌ای است ملی که برای حصول آمال و هدفهای نهضت ملی صورت میگیرد و منحصر بطبقه یا گروه معینی از اجتماع نیست بلکه تامین اتحاد تمام نیروهای اصیل ملی و تشکل و هدایت آنها بسوی هدفهای مشترک نخستین مرحله این مبارزه را تشکیل میدهد جبهه ملی ایران که احیای قانون اساسی و اجرای کامل اصول آنرا هدف خود قرار داده است یک سازمان قانونی و مبارزات آن نیز قانونی است و برخلاف آن دستگاه حکومت فعلی که قوانین اساسی را زیر پا گذاشته یکدستگاه غیرقانونی و اقدامات آن نیز غیرقانونی است.

مقصود از مبارزه قانونی آن نیست که ما بقوانینی که ناقض قوانین اساسی کشور بوده و در جهت تضییع حقوق مردم و در شرایط غیرقانونی وضع شود و یا به تصمیمات غیرقانونی مراجع حکومت گردن گذاریم و اقدامات خلاف قانون را تحمل کنیم. بالعکس مبارزه و مقاومت در برابر اعمال و تصمیمات خلاف قانون و تعرض و ایستادگی در برابر نقض قوانین اساسی کشور وظیفه اصلی جبهه ملی ایران است.

اطاعت از قانون مستلزم عدم اطاعت از تصمیمات خلاف قانون دستگاه حکومت و مستلزم مبارزه با تمام عناصری است که قانون و نظام قانونی اجتماع را زیر پا میگذارند. جبهه ملی ایران یک جمعیت علنی و آشکار است و این دستگاه حکومت غیرقانونی است که سعی میکند وسایل و امکانات مبارزه علنی را از دست ما خارج ساخته و شرایط مبارزه مخفی را بما تحمیل کند.

جبهه ملی ایران با تکیه بر قوانین اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر باید با مبارزات دامنه‌دار و قاطع خود شرایط مبارزه علنی را بدستگاه حاکمه تحمیل کند و جمیع حقوق اجتماعی و فردی ملت را از غاصبان باز ستاند.

مبارزه جبهه ملی ایران یک مبارزه اخلاقی و منطقی است. ما وسیله را از هدف جدا نمیدانیم و لذا برای رسیدن به هدفهای مشروع از بکار بردن وسایل و طرق نامشروع و ناپسندیده اجتناب میکنیم. جبهه ملی ایران متکی بتقوای سیاسی است و بنا بر همین اصل اصیل و بحکم وظایف ایمانی و انسانی و اخلاقی در مبارزات سیاسی توسل بدروغ و ریا و عوامفریبی و سازشکاری و بند و بست و فرصت طلبی را محکوم و مطرود شناخته و میشناسد. و از هر نوع رویه خلاف اخلاق پرهیز داشته و دارد. افراد جبهه ملی ایران در مبارزات خود تنها مصالح ملت را در نظر میگیرند و در راه تامین آن مصالح از هیچ کوشش و مجاهدت دریغ نداشته و در این طریق از هیچ مشکلی هراس بدل راه نمیدهند.

ما با استمداد از پروردگار متعال و الهام از شهدای انقلاب ملی و همه رادمردانیکه جان خود را در راه آزادی و استقلال وطن فدا نموده اند باید بکوشیم راه و روش آن مردان فداکار را سرمشق قرار دهیم و در هر زمان و در هر مورد با توجه بشرايط و امکانات روشی را بکار بندیم که با حفظ تمام اصول ما را سریعتر و زودتر به هدفهای خود برساند.

روشهای مختلف مبارزه از قبیل روشهای تعرضی و یا روش های مقاومت منفی و طرق دیگر در هر زمان بشرايط و امکانات موجود بستگی دارد و با توجه باوضاع و احوال باید در جهت تامین هدفهای ملی بکار بسته شود.

ما همواره باید مراقب و مترصد باشیم که از جمیع امکانات و شرائط مساعد بهره برداری نمائیم و هیچ فرصت و امکانی را بدون استفاده رها ن سازیم - سرعت در اخذ تصمیم و دقت در اجرای صحیح تصمیمات متخذه از طریق تفهیم آن و تحکیم مبانی انضباط و اطاعت از دستوره های رهبری و ابراز شجاعت اخلاقی از طریق اصلاح تصمیمهای نامتناسب و نشان دادن قدرت رهبری بوسیله اتخاذ روش های قاطع در قضاوت و عمل از شرايط ضروری تامین پیروزی است و در تمام طول مبارزات جبهه ملی ایران اصول اساسی و خطوط کلی فوق باید همواره در مدنظر افراد و اعضاء و بخصوص رهبری جبهه باشد و در عمل دقیقاً بکار بسته شود.

هدف اساسی مبارزات جبهه ملی ایران در شرايط حاضر در درجه اول برقراری مجدد نظام قانونی در کشور است ما معتقدیم که (قوای مملکت ناشی از ملت است) و اراده ملت باید بر جمیع شئون مملکت حاکم گردد و تنها با تحقق این شرايط اساسی است که میتوان با اجرای برنامه های اصلاحی امیدوار بود.

اینک با توجه بملاحظات اساسی فوق جبهه ملی ایران اصول برنامه های خود را بشرح زیر تدوین مینماید تا برای اجرای آنها بموقع خود طرحهای دقیق و عملی تهیه و تنظیم شود. ناین ترتیب اصول برنامه های جبهه ملی در واقع خطوط کلی وجهت اصلی را مشخص

ساخته و خط سیر اجتماعی جبهه را نشان میدهد و طرح های عملی درآینده باید در همین جهت و بر روی همین خطوط اصلی تنظیم و پی ریزی گردد .

الف - در قلمرو امور سیاسی

در قلمرو امور سیاسی هدفهای جبهه ملی ایران عبارت خواهد بود از اتخاذ تدابیر لازم برای تقویت مبانی دموکراسی و تامین حقوق و آزادیهای ملت ایران تا مردم بتوانند باتکاء آن وسائل حقوق اجتماعی و فردی خود را حفظ نمایند .

امور سازمانهای کشوری و لشگری : امور سازمانهای کشوری و لشگری باید متناسب با مقاصد فوق تنظیم گردد و برای تامین این مقصود جبهه ملی ایران باید برنامه های خود را بنحوی تنظیم کند که جمیع حقوق و آزادیهاییکه بموجب قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر گردیده برای عموم افراد بدون هیچگونه تمایزی از قبیل امتیازات طبقاتی و خانوادگی و فردی تامین گردد و هر نوع امتیاز خاصی از میان برود .

در جامعه نوین ایران کلیه روابط اجتماعی باید بصورتی درآمد که بهره مندی و تمتع افراد از مزایای مادی و معنوی متناسب با تقوا و کار و استعداد و کوشش آنها در راه خدمت بخلق و کشور باشد .

ما تامین جمیع حقوق و آزادیهای ملت ایران را از اهم وظایف دولت ملی میشناسیم و معتقدیم همه افراد و جمعیتها حق دارند در حدود قانون اساسی بفعالیت بپردازند ولی یکدولت ملی باید از فعالیتهای گروههای سیاسی که مخالف استقلال و وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران و مخالف دموکراسی و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم باشند بحکم مصالح مردم جلوگیری و دموکراسی و آزادی و استقلال کشور و حقوق مردم را در برابر هرگونه مخاطره ای حفظ نماید .

تامین آزادیهای فوق تنها از طریق اعلام آن کافی نیست و باید ضمانت اجراء کاملی برای حفظ آنها در اختیار مردم گذاشته شود و از هرگونه تجاوز مقامات کشوری و لشگری بحدود و قلمرو آزادیهای مردم جلوگیری بعمل آید .

برای حصول مقاصد فوق وجود قوه قضائی مستقل - مقتدر - صالح و متقی شرط ضروری است .

اصل ۸۲ متمم قانون اساسی باید بنحو کامل اجرا شود و دستگاه قضا از دخالت قوای دیگر مصون بماند . اختیارات محاکم عدلیه که در سالهای اخیر برخلاف نص صریح قانون

اساسی بمحاکم نظامی و سازمان امنیت واگذار شده باید اعاده گردد .

بمنظور تامین امنیت قضائی مردم سازمان امنیت و اطلاعات کشور باید منحل گردد و محاکم دادگستری و مراجع انتظامی قانونی وظایف خود را انجام دهند .

ما قوه قضائی مستقل - مقتدر - صالح و منقی را یگانه مرجع حاکم بر روابط قضائی مردم میشناسیم و نیز در مورد تعدیات دولت و ماموران آن اعم از کشوری و لشگری معتقدیم که با تنظیم قوانین مناسب اختیارات لازم باید بمحاکم عدلیه واگذار شود .

در مورد سازمانهای مختلف دولتی منجمله قوای انتظامی معتقدیم تجدیدنظر کاملی در این مورد بعمل آید . از نظر جبهه ملی ایران وظیفه اصلی ارتش ملی دفاع از تمامیت و موجودیت کشور و پشتیبانی از دولت در مقابل سیاست خارجی است ما بمداخلات ارتش در امور داخلی و همچنین اعمال نفوذهای مقامات داخلی در امور ارتش پایان میدهیم و ارتش را از وضع کنونی که سبب شده است مدافع دستگاه حاکمه در برابر مردم باشد بیرون میآوریم ارتش ابزار کار شخصی نیست و نباید در خدمت فرد باشد بلکه یک موسسه اجتماعی و ملی است و باید در خدمت مقاصد ملی بکار رود . ما بمقام شامخیکه ارتش در حفظ استقلال و حاکمیت ملی ما دارد ارج گذارده مقام شایسته‌ای بر آن نیز قائل هستیم . بعقیده ما حقوق سربازان و درجه‌داران و افسران شریف و دلیر و فداکار ایرانی باید کاملاً " محفوظ بماند و نسبت بسطح زندگی آنان توجه کامل مبذول گردد .

در پرتو اصلاحات فوق و با ترویج شعائر میهنی باید وضعی بوجود آید که مردم و ارتش هماهنگ و یکدل در حفظ حقوق و آزادیهای ملت و استقلال کشور خود بکوشند . ارتش ایران باید متناسب با احتیاجات و امکانات اقتصادی و مالی باشد و وجود آن بصورت بارسنگینی بردوش اقتصاد کشور در نیاید .

در امور نظام اداری کشور ما معتقدیم که در سازمانهای موجود باید تجدیدنظر کامل بعمل آید بنحویکه یک دستگاه اداری خدمتگذار مردم جانشین دستگاه فعلی گردد .

سازمانهای اداری باید وسیله اجرای سریع و مطمئن برنامه‌های مملکتی باشد و فساد و بینظمی در آنها ریشه‌کن گردد .

ما معتقدیم بجای مبارزه با فساد باید باریشه فساد مبارزه شود تمام آنچه در سنوات اخیر بنام مبارزه با فساد انجام گرفته نه تنها سطحی بوده بلکه تمام از روی ریا بوده که خود یکنوع بدتر فساد است .

بی‌ایمانی و عدم تقوا و آزادی و فقدان امنیت قضائی و تامین اخلاقی و عدم توجه بشخصیت انسانی و بالاتر از همه وجود هیئت حاکمه فاسد ریشه اصلی تمام فسادها است . باید تمام عوامل فوق ریشه‌کن گردد تا فساد که معلولی بیش نیست از میان برود . بعقیده

جبهه ملی ایران برای تامین سطح زندگی آبرومندان برای کارمندان و حفظ حقوق و تامین پیشرفت آنان باید تجدیدنظر کامل در قوانین استخدامی و بازنشستگی بعمل آید .

جبهه ملی ایران نظام اداری فعلی و سازمانهای موجود را وسیله ترویج بیکاری پنهان می‌شناسد و معتقد است در تنظیم برنامه های رشد اقتصادی برای استفاده از نیروی زائیدیکه در ادارات دولتی بهدر می‌رود باید تدابیر صحیح و عملی اتخاذ شود .

ب- در قلمرو امور اجتماعی

در قلمرو امور اجتماعی جبهه ملی ایران تحکیم مبانی اتحادیه های صنفی و حقوق سندیکائی و توسعه نهضت اجتماعی در میان ساکنان شهروده و تعمیم فرهنگ و بهداشت و تشدید مبانی خانوادگی و ترقی زنان و تثبیت حقوق آنان و توجه بمسئله جوانان را از اهم هدفهای خود می‌شناسد و برای این منظور اصلاح قوانین کار و بیمه های اجتماعی و توسعه قلمرو بیمه های مذکور و ایجاد بیمه در مقابل بیماری - بیکاری - ناتوانی و پیری مدد معاش برای متاهلین و صاحبان اولاد و تسهیل شرائط کار و اجرای کامل مزد مساوی در برابر کار مساوی وتوجه بشرائط کار زنان و منع کار اطفال و تامین حقوق آنان را از امور ضروری می‌شناسد و برای تثبیت حقوق سندیکائی و شوراهای کارگاه و گسترش وظایف آنها و جلوگیری از اعمال نفوذ مقامات و سازمانهای دولتی در امور سندیکائی واتحادیه های کارگری معتقد است باید قوانین متناسب تنظیم و بموقع اجرا گذاشته شود .

جبهه ملی ایران برای انجمن های شهر و شوراهای ده و دهستان اهمیت خاصی قائل است و اینگونه موسسات اجتماعی را از وسائل لازم برای رشد دموکراسی و تحکیم مبانی آن می‌شناسد و در عین حال معتقد است که انجمنهای مذکور میتوانند عوامل موثری در اصلاح اوضاع محلی باشند .

در قلمرو امور فرهنگی - هدف جبهه ملی ایران تعمیم فرهنگ از طریق اجرای تعلیمات ابتدائی عمومی و اجباری و مجانی در سراسر کشور و تقویت روح ایمان و انضباط و اعتماد بنفس در جوانان و تبدیل دستگاه فرهنگی بیک وسیله موثر برای رشد اجتماعی و اقتصادی کشور است . فرهنگ کنونی ما نه تنها بااحتیاجات ملی توجه نمیکند بلکه خود بصورت یک عامل منفی در سر راه توسعه اقتصادی و رشد اجتماعی ملت ایران درآمده است .

در تنظیم برنامه های فرهنگی باید احتیاجات ملی و مصالح ملک و ملت در درجه اول اهمیت باشد و فرهنگ بصورت وسیله ای برای تکامل اقتصادی - اجتماعی و اخلاقی

ملت درآید. پرورش روح خودپرستی و روحیه اتکائی که در فرهنگ فعلی رسوخ پیدا کرده باید جای خود را بتقویت روح ایمان و دموکراسی و احترام بشخصیت و ارزشهای انسانی و حسن ابتکار و وظیفه‌شناسی واگذار کند.

توجه بوضع زندگی معلمان و تعلیم و تربیت آنان و انتخاب افراد شایسته برای این حرفه مقدس و مهم از اهم مسائل است. معلم در جامعه باید از شایسته‌ترین احترامات برخوردار باشد و دولت تامین سطح زندگی مناسب و آبرومندانه این گروه را یکی از وظایف اساسی خود بشناسد.

فرهنگ و معلمان باید هدف تعلیم و تربیت را پرورش سجایای اخلاقی و حس‌همکاری اجتماعی و احترام بکار و مقدم داشتن منافع عمومی بر منافع خصوصی بدانند و جوانان کشور را متکی بنفس بار آورند.

جبهه ملی ایران تقویت مبانی فرهنگ ملی و زبان و ادب فارسی را یکی از وظایف بسیار مهم خود می‌شناسد و معتقد است برای حفظ زبان فارسی و میراث فرهنگی ملت ایران از مخاطراتیکه آنرا تهدید میکند باید تدابیر مؤثر اتخاذ شود.

دانشگاههای ایران باید بمرکز مهم تحقیق و تتبع تبدیل شود پرورش روح و حل معضلات علمی و اجتماعی در جوانان و دانشجویان باید یکی از هدفهای اساسی دانشگاهها شناخته شود.

برنامه های دانشگاههای تهران و شهرستانها باید با ترقیات و اکتشافات علمی امروز متناسب شود و بطور کلی هدف دانشگاه باید تربیت محقق و کارشناس و مردان و زنان شایسته و کاردان باشد نه تربیت فارغ‌التحصیل.

ما برای استقلال دانشگاه اهمیت خاصی قائل هستیم و معتقدیم برای حفظ آن و توسعه اختیارات و قلمرو وظایف دانشگاه مقررات متناسب وضع گردد. بحقوق سیاسی و اجتماعی دانشجویان باید از طرف اولیاء امور و متصدیان دانشگاه احترام گذارده شود و بهیچ بهانه فعالیتهای سیاسی آنان محدود و یا مواجه با مانع نگردد.

فعالیتهای اجتماعی و سیاسی دانشجویان نه تنها منافاتی با تحصیل و کسب دانش ندارد بلکه مکمل آن و وسیله موثری برای تربیت مردان و زنان کاردان و دلسوز و وفادار برای کشور است

در مورد ورزش و نیرومندی جوانان از نظر جبهه ملی ایران ورزش و تربیت بدنی و نیرومندی جوانان کمال ضرورت را دارد. لکن جبهه ملی معتقد است که ورزش وسیله است نه هدف بدین معنا که بدنهای قوی باید در خدمت مغزهای متفکر و اندیشه‌های مترقی و در مسیر هدفها و آرمانهای انسانی و ملی باشد نه اینکه ورزش صرفاً برای سرگرمی و گمراهی

و فاسد کردن نسل جوان مورد سوء استفاده قرار گیرد
جبهه ملی ایران طرفدار تشکیل انجمنهای ملی ورزشی و تامین وسایل کافی برای آنان
با توجه با اصول آما توربسم بین المللی بوده و در بسط و توسعه اینگونه انجمنها کوشش
خواهد کرد .

در مورد بهداشت هدف ما باید ملی کردن طبابت و مداوا در سراسر کشور باشد .
پزشک ، دارو وسایل درمان باید بطور رایگان در اختیار مردم قرار گیرد و تقویت کادر پزشکی
و تامین زندگی آنان باید همواره مورد توجه باشد . برای توسعه بهداشت در مناطق عشایری
و روستائی باید تدابیر متناسب اتخاذ شود . توجه بوضع ایلات و عشایر و اصلاح شرایط
زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان و اسکان تدریجی ایلات از طریق ایجاد موسسات دامداری
بوسیله شرکتهای تعاونی و انضمام دامداری با اقتصاد کشاورزی با توجه بشرايط اقلیمی هر
منطقه و امکانات باید یکی از هدفهای مهم برنامههای اجتماعی ما را تشکیل دهد .

در تنظیم برنامههای رشد اجتماعی باید نسبت بامور جوانان توجه دقیق مبذول گردد
و انجمنها و سازمانهای مخصوص برای هدایت جوانان و تربیت روح همکاری و حس وظیفه
شناسی و احترام بفضیلت و تقوا تاسیس گردد . امور خاص جوانان یکی از مهمترین مسائل
اجتماعی عصر حاضر بشمار میرود و باید همواره مورد توجه مخصوص دولت ملی باشد .

در جامعه نوین ایران باید نسبت بحقوق خانواده و موقع مهم این واحداولیه اجتماع
توجه کافی مبذول گردد حقوق زنان باید بار عایت موازین اسلامی محفوظ بماند و حقوق اطفال و مسائل
مربوط بزندگی اقتصادی و امور قضائی اطفال از مسائلی است که تنظیم قوانین جدید و
متناسب را ایجاب مینماید . در تجدید ساختمان جامعه ایرانی زنان با رعایت موازین اسلامی
باید دوشادوش مردان مسئولیتهای اجتماعی و ملی خود را ایفا نمایند .

زنان ایران باید سازمانهای لازم را برای پرورش اخلاقی و فکری زن و تقویت مبانی
زندگی خانوادگی بوجود آورند و پایپای پیشرفتهای زنان در سایر کشورها خاصه کشورهای
اسلامی در راه ترقی و تکامل پیش بروند .

در مورد تبلیغات در اینمورد که با وسایل علمی امروزی تاثیر عمیقی بر روی زندگی
اجتماعی ملت دارد جبهه ملی ایران نظر بمصالح ملی و میهنی معتقد است که رادیو و
تلویزیون و هرگونه موسسات تبلیغاتی عمومی باید ملی اعلام گردد . رادیو و تلویزیون و
دستگاه تبلیغات و انتشارات کشور باید وسیله و ابزاری برای رشد اجتماعی و هدایت جوانان
و ترویج فضیلت و تقوا و وطن دوستی و وسیلهای برای تسهیل اجرای برنامههای توسعه
اقتصادی کشور و مرکز نشر حقایق و ارتباط فکری مردم با دنیای مترقی و آشنائی آنان با
ترقیات علمی و اجتماعی عصر حاضر باشد .

ج - در قلمرو امور اقتصادی

در قلمرو امور اقتصادی با توجه بشرايط فعلی کشور - جبهه ملی ایران هدف اصلی خود را پایه‌گذاری اقتصاد ملی و تحکیم مبانی آن و بهبود وضع زندگی مردم از طریق بالا بردن درآمد ملی و ازدیاد قدرت تولید و توزیع عادلانه ثروت می‌شناسد .
برای آنکه اقتصاد ملی ایران نیرومند باشد باید کوشش شود که پیشرفت اقتصادی بطور موزون صورت گیرد باین معنا که جمیع رشته‌های فعالیت اقتصادی بخصوص کشاورزی و صنعت توما" پیشرفت کند .

ما معتقدیم که برای بسیج جمیع نیروهای انسانی و مالی و منابع طبیعی و بمنظور آنکه برنامه‌های اقتصادی با شرایط خاص مناطق مختلف کشور منطبق باشد علاوه بر سازمان مرکزی برای تنظیم برنامه‌های کشوری در هر منطقه اقتصادی نیز سازمان غمران منطقه‌ای بوجود آید که تحت نظر و هدایت سازمان مرکزی در اجرای برنامه‌ها کوشش بعمل آورد .

ما عقیده داریم که از تمام استعدادهای انسانی مخصوصاً " جوانان باید استفاده شود و هیچ نیروئی بیکار نماند. ما معتقدیم که سهم عمده از درآمد ملی باید متعلق به طبقات مولد و کم درآمد جامعه شود ما همان اندازه که با افزایش تولید و درآمد ملی اهمیت می‌دهیم برای توزیع عادلانه ثروت نیز اهمیت قائلیم .

انتقال قوه خرید از طبقات مرفه و پر درآمد بطبقات کم درآمد علاوه بر تامین شرایط اجتماعی صحیح و عادلانه سبب تقلیل تقاضای کالاهای تجملی شده و بازارهای جدیدی بروی کالاهای داخلی باز میکند و این خود شرط لازم برای ثبات و پیشرفت اقتصاد ملی و توسعه صنعتی کشور است .

بعقیده ما دولت در پیشرفت اقتصادی کشور وظیفه بزرگی بعهده دارد و باید با تنظیم برنامه‌های اقتصادی وسیع و هم‌آهنگ نیل به هدفهای تنظیم شده را میسر سازد . ما صنعتی کردن کشور را شرط لازم و ضروری رشد سریع اقتصاد ایران دانسته و توسعه صنایع را وجهه همت خود قرار می‌دهیم . زیرا توسعه صنایع در دنیای اقتصادی امروز یکی از وسایل حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی کشور بوده و موثرترین طریقه برای بهره برداری از منابع طبیعی مملکت و ایجاد کار و افزایش درآمد ملی و تامین شرائط اجتماعی بهتر و مترقی تر است .
ایجاد و توسعه صنایع اساسی مانند ذوب آهن و ماشین سازی و صنایع سوخت و نیروی برق که مستلزم سرمایه گذاریهای سنگین میباشد ناگزیر بعهده دولت است و در همه حال

باید هم آهنکی کامل بین صنایع خصوصی و دولتی با حفظ وظیفه ارشادی دولتی تأمین گردد . دولت باید با اتخاذ تدابیر صحیح از سرمایه گذاری خصوصی تشویق بعمل آورد و صنایع کشور را در برابر رقابت صنایع جهانی مورد حمایت قرار دهد .

در مورد بهره برداری از معادن - باید استفاده از کلیه منابع زیرزمینی کشور مورد نظر باشد و مواد معدنی - استخراجی حتی المقدور در داخل کشور تغییر شکل یافته بصورت کالای ساخته شده درآید و صدور مواد معدنی بصورت ابتدائی و خام که یکی از نشانه های اقتصاد استعماری است تا آنجا که ممکن است تقلیل یابد .

در مورد بزرگترین ذخیره معدنی ایران یعنی نفت و صنایع آن که مهمترین صنایع کنونی کشور بشمار میرود ما اعلام میکنیم که قرارداد کنسرسیوم نفت در شرائطی منعقد شده که ملت ایران در زیر فشار حکومت نظامی و سیاست استعماری و با بودن مجلسهای فرمایشی از مداخله در سرنوشت خود محروم بوده و رعایت حقوق و مصالح ملی در آن نشده است بنابراین معتقدیم که براساس مصالح ملت و قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و با توجه باصل حاکمیت ملی و رعایت حق و عدالت و توجه بموازن حقوق بین المللی باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد .

صنایع نفت باید سهم شایسته ای در توسعه صنعتی کشور داشته باشد و بصورت وسیله ای برای رشد اقتصادی ایران درآید و برای وصول باین مقصود عواید حاصله از نفت باید در راه سرمایه گذاری در رشته های تولیدی و عمرانی بکار رود .

در مورد امور کشاورزی - جبهه ملی ایران معتقد است که اصلاح نظام فلاحی باید بنحوی صورت گیرد که کشاورزان از قید اسارت و بندگی آزاد شوند و از دسترنج خود بهره مند گردند و با توجه باصول فنی و صنعتی کشاورزی ایران متناسب با رشد صنعتی گردد و میلیونها دهقان ایرانی همچنانکه وظیفه تاریخی آنها حکم میکند در تجدید بنای جامعه بطور موثر شرکت جویند .

بمنظور تأمین هدفهای فوق لازم است از کلیه اشخاصیکه از مهرهای نامشروع صاحب املاک و اراضی شده اند خلع ید بعمل آید . نظام ارباب و رعیتی منسوخ و هر نوع مالکیت ارضی که متضمن استثمار کشاورزان باشد ملغی گردد .

جنگلها و مراتع عمومی و رودخانه ها و اراضی موات و همچنین اراضی بایریکه در مهلت مقرر از طرف مالکین اقدام بآبادانی آنها نشود باید ملی اعلام گردد .

میزان مالکیت ارضی برای کسانیکه با کار و سرمایه خود بکشاورزی اشتغال دارند باید بر مبنای شرایط اقلیمی و عوامل اقتصادی تعیین شود زمین و آب برای دهقانان باید تأمین گردد و واحدهای تولیدی و روستائی مجهز بوسائیل فنی بوجود آید و نهضت تعاونی کشاورزی

منطقه‌ای تحت نظارت و هدایت دولت تقویت شود .

جبهه ملی ایران برای تشکیل شورای ده و دهستان اهمیت خاصی قائل و معتقد است که امور اجتماعی روستاها باید کلاً " بشوراهای مذکور واگذار گردد تا بدین ترتیب نهضت اجتماعی و ملی در روستاها رسوخ و آزادیهای سیاسی و اجتماعی میلیونها کشاورز ایرانی مفهوم و مصداق واقعی پیدا کند .

دولت باید با تثبیت نرخ محصولات فلاحتی بازار کالاهای کشاورزی و بنیه مالیی دهقانان را تقویت و از بروز بحران اقتصادی در این بازار که زندگی میلیونهانفر بآن بستگی دارد جلوگیری بعمل آورد .

حقوق کارگران کشاورزی باید تثبیت و بتوسعه صنایع روستائی و بیمه محصولات کشاورزی توجه خاص مبذول گردد . روستاهای ایران باید بوسیله یک شبکه وسیع راههای فرعیی بمرکز شهری و صنعتی متصل گردد . در مورد تامین آب آشامیدنی - نیروهای برق و روشنائی و بهداشت و امور فرهنگی روستاها و نوسازی دهات دولت باید توجه کامل مبذول دارد .

سیاست بازرگانی خارجی :

سیاست بازرگانی خارجی باید متناسب با سیاست کلی رشد اقتصادی باشد باین معنا که بین صادرات و واردات باید تعادل برقرار گردد و واردات باید متناسب با برنامه رشد صنعتی و اقتصادی کشور باشد و از ورود کالاهای تجملی و غیر ضروری و نیز کالاهائی که مشابه آن در داخل تهیه میشود با رعایت مصالح مصرف کنندگان و با توجه بمنافع تولیدکنندگان داخلی جلوگیری بعمل آید .

کالاهای صادراتی نباید منحصر بمحصولات کشاورزی و دامی باشد بلکه امکان صدور تولیدات صنعتی هر چه بیشتر فراهم گردد . بطور کلی در این قلمرو بازرگانی خارجی ایران نباید وابسته و منحصر بیک بازار و یا منطقه معین باشد .

در مورد سیاست مالیاتی :

ما معتقدیم که از این امر مهم اقتصادی باید بعنوان یک وسیله موثر برای تقویت بنیه صنعتی کشور استفاده شود . در حال حاضر فشار مالیاتهای غیرمستقیم بر دوش طبقات کم درآمد و محروم سنگینی میکند . ما با افزایش مناسب مالیاتهای مستقیم و تقلیل مالیاتهای

غیرمستقیم باید باین بی‌عدالتی خاتمه دهیم و نیز در روابط فعلی مالیات دهندگان با دستگاه‌های وصول تجدید نظر بعمل آوریم تا هر کدام از طبقات اجتماع متناسب بامیزان درآمد خود در تأمین هزینه‌های عمومی شرکت جویند .

در مورد امور پولی

باید توجه داشت که حفظ ارزش پول شرط لازم برای موفقیت برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی و حفظ قوه خرید طبقات محروم و تأمین رفاه آنانست .

در مورد سیاست بانکی و اعتباری :

باید تدابیری اتخاذ شود که بانک مرکزی بتواند وظیفه ارشادی خود را در مورد تعیین سیاست‌های پولی و مالی بنحواکمل انجام دهد . در مورد بانکهای خصوصی باید اصل تخصص رعایت شود . وضع موجود بانکهای مختلف باید مورد تجدید نظر قرار گیرد . نرخ بهره باید تقلیل یابد و از این طریق راه برای صنعتی کردن کشور هموار گردد . باید با اتخاذ تدابیر موثر ضمانت‌های لازم برای پس انداز افراد و سپرده‌های اشخاص افزایش یابد تا از این طریق راه برای توسعه صنعتی کشور مساعد گردد . سیاست اعطای اعتبارات باید تابع برنامه رشد اقتصادی کشور و در جهت اجرای طرحهای سالم و مطمئن اجتماعی و اقتصادی باشد .

در جمیع قلمرو فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی جبهه ملی ایران ابتکارات خصوصی افراد و موسسات را تشویق میکند ولی معتقد است که مصالح اجتماعی و ملی باید همواره مقدم بر منافع خصوصی باشد . بنابراین هر جا که ابتکارات خصوصی کافی نباشد و یا بایجاد انحصار و یا بزیان جامعه منتهی شود باید سازمانهای عمومی عهده دار اداره امور و تأمین منافع اجتماع گردد .

د- در مورد سیاست خارجی

در مورد سیاست خارجی جبهه ملی ایران باین اصل مسلم توجه دارد که پایه سیاست خارجی هر ملت مستقل منافع ملی آن کشور است و سیاست خارجی در همه حال برای حفظ و حیانت سیاست داخلی است . بدین معنی که مسئله مهم سیاست خارجی هموار کردن طریق بنحوی است که سیاست داخلی بتواند بدون برخورد با موانع خارجی و استساک با سایر دول جهان بسیر طبیعی خود ادامه دهد و باین ترتیب سیاست خارجی فرع بر سیاست داخلی است . اگر اجرای برنامه های اقتصادی و اجتماعی براساس منافع ملی دوستی با دولتی را ایجاب نماید سیاست خارجی باید در آن جهت سیر کند و بالعکس بنابراین تنها آن سیاست خارجی را میتوان سیاست مستقل ملی نامید که از سیاست داخلی و منافع ملت پیروی نماید و در تحولات خود تابع منافع ملی باشد .

منافع ملی ما بسته باوضاع و احوال جهانی و تطورات و تغییرات سیاسی وقتی فارغ بودن از هر نوع تعهدی را ایجاب مینماید و زمانی دیگر جستجوی دوستان و جلب همکاری و تشریک مساعی دولی را برای دفع مضرتی ایجاب میکند بنابراین روشهایی مانند بیطرفی یا طرفداری - تعهد یا عدم تعهد نمیتوانند بعنوان یک سیاست مستمر خارجی مورد قبول قرار گیرد . با توجه باصول مسلم فوق ما معتقدیم سه اصل اساسی زیر باید پایه سیاست خارجی ملی ما را در تحولات و تطورات جهانی تشکیل دهد .

اولاً - سیاست مستقل ملی ایرانی باید استحقاقی و دفاعی باشندنه تهاجمی آرزوی ملت ما در این سرزمین کهنسال حفظ موجودیت و استقلال و عدم تراحم از جانب دیگران است . ملت ما نه بسرزمین دیگران نظری دارد و نه هوای جهانگشائی در سر میپوراند و بهمین سبب از اتخاذ سیاستهای ماجراجویانه بیزار است .

ملت ما خواهان سیاستی است که بتواند در داخله خود آزادانه هر نظم اجتماعی را که میپسندد بکار بندد و در این راه همچنانکه استقلال و آزادی و حرمت و امنیت خود را خواهان است ، استقلال و آزادی و حرمت و امنیت سایر ملل را نیز محترم میشمرد . ملت ما همچنانکه نسبت بسرزمین دیگران نظری ندارد اجازه نمیدهد که دیگران نیز بسرزمین کهنسال او نظری داشته باشند .

ثانیاً - از لحاظ سیاست عمومی بین المللی سیاست خارجی ایران باید براساس حفظ

مصالح کشور و طرفدار سازمان ملل متحد و اجرای صحیح و کامل منشور آن باشد . جبهه ملی ایران معتقد است که سازمان ملل متحد نباید صحنه زور آزمائی و قدرت نمائی کشورهای بزرگ باشد . بلکه مرکز اصلی حل مشکلات از طریق مذاکره و تفاهم و محل همکاری و تشریک مساعی دول جهان با رعایت تساوی حقوق و احترام متقابل و حق حاکمیت ملتها باشد .

ثالثاً - در سیاست عمومی بین المللی هدف سیاست مستقل ایرانی باید خدمت بصلح و بشریت و حمایت از آزادی و استقلال ملتها باشد - یکدولت ملی آنچه را که در خیر و صلاح نوع بشر و پیشرفت تمدن جهانی و نگهداری صلح دنیا مناسب و لازم بدانند باید با استقلال کامل اعمال نماید .

ما استعمار را اعم از پنهان و آشکار و تجاوز با استقلال و حاکمیت ملتها را بهر صورت محکوم دانسته و بزرگترین دشمن صلح می‌شماریم .

ما که خود با هر نوع استعمار در مبارزه‌ایم در خارج کشور نیز مبارزات ضد استعماری و نهضت‌های استقلال طلبانه ملتها را در سراسر جهان باید پشتیبانی و تقویت کنیم تا مبانی صلح هر چه بیشتر استوار گردد .

ما منع آزمایشهای اتمی و هسته‌ای و نیز خلع سلاح عمومی و حل اختلافات را از طریق مسالمت آمیز بنفع صلح جهانی می‌شناسیم و تعقیب این هدفها را در سیاست خارجی بنفع سیاست داخلی خود میدانیم .

نخستین کنگره جبهه ملی ایران با تصویب این منشور بترتیب فوق خط مشی و اصول برنامه‌های اجتماعی جبهه ملی را مشخص می‌سازد و مقرر میدارد که تبلیغات و انتشارات و تعلیمات جبهه ملی باید براساس این منشور منکی باشد .

هیئت اجرائی باید با انتشار جزوه‌های تعلیماتی و تنظیم بحث حوزه‌ها و کلاسها اصول منشور جبهه ملی ایران را تفهیم و برنامه‌های اجتماعی جبهه را در افکار مردم کشور رسوخ داده و یک نهضت فکری قوی و موثر و هم آهنگ بوجود آورد .

کنگره جبهه ملی ایران اتحاد و هم آهنگی تمام نیروهای اصیل ملی را در جهت نیل به هدفهای جبهه ملی ضروری می‌شناسد و هر گونه تفرقه و تشتت فکری و سازمانی را محکوم میکند .

قطعه‌نامه سیاسی نخستین کنگره جبهه ملی ایران

نظر بآنکه از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نظام قانونی مملکت از میان رفته و قوانین و مقررات و حتی قانون اساسی کشور زیرپا گذاشته شده است .

و نظر بآنکه از آن تاریخ تاکنون حقوق انسانی افراد از طرف دستگاه حکومت رعایت نمیشود و بحقوق و آزادی‌هایی که بموجب قوانین اساسی و اعلامیه‌جهانی حقوق بشرمقرر است تجاوز میشود .

و نظر بآنکه بععل فوق بر کلیه مبانی زندگی اجتماعی - اقتصادی - و سیاسی جامعه ضربات سنگینی وارد آمده است .

جبهه ملی ایران معتقد است برای تغییر اوضاع کنونی در درجه اول لازم است شرایطی بوجود آید که نظام قانونی مجدداً در مملکت برقرار و مستقر گردد و حقوق انسانی افراد احیاء و مورد رعایت واقع شود و برای رسیدن باین هدف و تامین شرائط مذکور - نخستین کنگره جبهه ملی ایران - تامین و تحقق مراتب زیر را لازم می‌شمارد :

۱ - قوانین اساسی کشور که مورد تجاوز قرار گرفته باید احیاء و اعتبار آن تجدید و اصول آن بنحو اتم و اکمل اجرا شود و تحریف‌هاییکه از طرف کنگره ها و مجالس فرمایشی در بیست سال اخیر صورت گرفته است و با روح قانون اساسی و حقوق ملت ایران مابینت دارد باید از میان برود .

۲ - بموجب قوانین اساسی مملکت در کشور مشروطه پادشاه سلطنت میکند نه حکومت و بنابراین مقام سلطنت باید از دخالت در امور حکومت برکنار بماند و دولت و وزراء مسئول با توجه بمسئولیتیکه بموجب قوانین اساسی کشور بر عهده آنهاست امور مملکت را اعم از کشوری و لشگری اداره نمایند .

۳ - کنگره جبهه ملی ایران اعلامیه تاریخی هفتم آذرماه هیئت اجرائی جبهه ملی را تأیید و آنرا مورد تقدیر و تحسین قرار داده و اجرای مفاد آنرا حیاتیترین مسئله اجتماعی روز می‌شناسد .

جميع حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی ملت که بموجب قوانین اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر شده است باید احیاء و بسانسور مطبوعات و فشارهای غیرقانونی بر چاپخانه‌ها و ممنوعیت اجتماعات و احزاب اصیل ملی و سایر محدودیتهای خلاف قانون باید بیدرنگ خاتمه داده شود .

۴ - سازمان اطلاعات و امنیت که یک دستگاه تفتیش عقاید و مامور اجرای نظرمقاصد بیگانگان و دولتی در دولت و عامل فساد و نفاق و جور و ستم و مباشر شکنجه و حبس و تبعید آزادی خواهان و وطن دوستان و تضییع حقوق مردم و دخالت در امر انتخابات و سایر شئون اجتماع و تجاوز بحقوق ملت و وسیله سلب امنیت از مردم در مرکز و شهرستانهاست باید بیدرنگ منحل گردد .

۵ - انتخابات مجلس باید فوراً در شرایط قانونی و با رعایت جميع حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی شروع گردد و مجلس منتخب مردم زمام امور کشور را بدست دولت مسئول بسپارد تا نظام قانونی در مملکت مجدداً برقرار شود .

۶ - به اعمال جميع کسانی که در طی ده سال اخیر بحقوق و آزادیهای ملت تجاوز و بر خلاف قانون افراد را توقیف و شکنجه و محاکمه و تبعید و زندانی نموده‌اند و آزادی مطبوعات و اجتماعات و آزادی بیان عقیده را از میان برده‌اند رسیدگی کامل بعمل آید و مباشران و محرکان تحت تعقیب قرار گیرند .

۷ - بکلیه سوء استفاده و حیف میلیتاریک که در طی ده سال اخیر نسبت باموال عمومی صورت گرفته باید رسیدگی بعمل آید و مباشران و محرکان تحت تعقیب قرار گیرند .

۸ - کلیه احکام دادگاههای نظامی و غیرقانونی و فرمایشی در باب عناصری که در راه استقلال و آزادی وطن و حقوق مردم و نهضت ملی مبارزه نموده‌اند و بهمین گناه محکوم شده‌اند از نظر ملت ایران و نیز بموجب قوانین اساسی کشور باطل و کان لم یکن است .

۹ - کلیه قوانین و مقرراتیکه مغایر نظام آزادی و امنیت قضائی مردم است باید ملغی گردد و اختیارات محاکم عدلیه که برخلاف قانون اساسی بسازمان امنیت و دادگاههای

نظامی محول شده است بحکم همان قانون اساسی اعاده گردد .

۱۰ - کلیه عهود و قراردادهای و بالاخص قرضه‌های خارجی تحمیلی و استعماری که بموجب مصوبات مجالس فرمایشی بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و یا حتی بدون تصویب مجلس ملی مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار گیرد .

هر گونه استقراض دولتی بدون تصویب نمایندگان ملت کان لم یکن و باطل است و برای ملت ایران تعهدی ایجاد نخواهد کرد .

۱۱ - نخستین کنگره جبهه ملی ایران بشورای مرکزی آینده و هیئت اجرائی منتخب آن توصیه میکند که کوشش برای اجرای نخستین قطعنامه کنگره در باب آزادی پیش‌شوای عالیقدر ملت و همچنین اجرای مواد ده گانه آن را مقدم بر هر امر دیگر قرار دهد و با جمیع قوا در راه تامین آنها کوشش و مبارزه کند .

منشور جبهه ملی ایران و دو قطعنامه منضم بآن در جلسه هشتم دیماه اولین کنگره جبهه ملی ایران قرائت و در جلسه مورخ نهم دیماه ۱۳۴۱ پس از مذاکره و بحث از طرف نمایندگان اولین کنگره جبهه ملی ایران مورد تصویب قرار گرفت .

رئیس نخستین کنگره جبهه ملی ایران - اللهیار صالح

اساسنامه جبهه ملی ایران

باتأییدات خداوند متعال

و پشتیبانی مردم آزاده و میهن دوست ایران

جبهه ملی ایران که در سال ۱۳۲۸ تاسیس گردیده و خدمات فراموش نشدنی به بیداری و آزادی ملت ایران و قطع نفوذ بیگانگان کرده است و تجربه ثمربخش پرافتخاری برای ایران و سرمشقی برای کشورهای شرق بوجود آورده است و پس از هفت سال اختناق در ظلّیعه انتخابات مجلس شورای ملی در تاریخ سی ام تیر ماه ۱۳۳۹ بشرکت نمایندگان جمعیتها و عناصری که امتحان میهن دوستی و استقامت و وفاداری با اصول مشروطیت و آزادی داده اند تجدید فعالیت خویش را آغاز کرد و پیرو اعلامیه سی ام تیرماه ۱۳۳۹ اساسنامه موقت خود را تنظیم و بمورد اجرا گذاشت و اکنون در اولین کنگره کشوری اساسنامه خود را بشرح زیر تصویب میکند:

قسمت اول

اصول هدفهای جبهه ملی ایران

اصل اول - احیاء حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی ملت ایران برطبق قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر و مبارزه با هرگونه تجاوز بحقوق و آزادیهای افراد و اجتماعات .

اصل دوم - استقرار حکومت قانونی ناشی از انتخابات عمومی و آزاد و دفاع از اصول مشروطیت و مبارزه با هر نوع تجاوز نسبت باصول مذکور .

اصل سوم - اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی براساس حفظ مصالح کشور باتوجه باصول و هدفهای منشور ملل متحد و دوستی با همه ملل جهان و پشتیبانی از ملت های آسیائی و آفریقائی و مبارزه با هرگونه سیاست استعماری و حمایت ازمللی که برای آزادی و استقلال خود میکوشند .

تشکیلات جبهه ملی ایران فصل اول - در کلیات

ماده اول - جبهه ملی ایران واحد مستقل تشکیلاتی سیاسی است و در ایجاد ارتباط و تامین هماهنگی و همکاری بین افراد و جمعیت‌ها و نیروهای ملی ایران و هدایت آنها با شتراك مساعی و تجمع در تشکیلات ملی وسیع بمنظور نیل باصول مرام و هدفهای خود کوشش خواهد نمود و نسبت بامور اساسی و عمومی جامعه ایرانی برطبق مقتضیات زمان و مصالح کشور با اقدامات لازم پرداخته و باتخاذ تصمیمات و اجرای آنها مبادرت خواهد کرد .

ماده دوم - تشکیلات جبهه ملی ایران بردواصل مرکزیت و حکومت عامه (دموکراسی) مبتنی است و جمیع افراد آن اعم از حزبی و غیر حزبی بطور یکسان ملزم بر رعایت دقیق این دواصل میباشند .

ماده سوم - احزاب عضو جبهه ملی با توجه بماده سی و نه اساسنامه بعضویت خود در جبهه ملی ادامه خواهند داد و پذیرفتن هر نوع جمعیت سیاسی جدید بعضویت جبهه در صلاحیت کنگره جبهه ملی خواهد بود .

ماده چهارم - در تشکیلات جبهه ملی انتخاب یا انتصاب افراد باید تنها بر اساس صلاحیت شخصی باشد و جمیع ماموران و مسئولان باید صرفاً " بعنوان جبهه ملی عمل کنند و نیز افرادی از احزاب و جمعیت‌ها و اتحادیه‌ها و اصناف وابسته به جبهه ملی که به تصدی امری در جبهه برگزیده میشوند با حفظ عضویت خود در آن جمعیت‌ها بهیچ نحو و بهیچ عنوان نمیتوانند فعالیت حزبی یا صنفی و یا هر نوع فعالیت و تبلیغی که مربوط بجبهه ملی نباشد بنمایند . متخلفین مشمول آئین نامه انضباطی خواهند شد .

ماده پنجم - جبهه ملی ایران با افراد و جمعیت‌ها و سازمانهای وابسته سیاست خارجی و متکی بآنها سازش و همکاری نخواهد داشت .

ماده ششم - شرط اساسی عضویت جبهه ملی ایران تبعیت از نظامات و رعایت انضباط و اجرای صمیمانه تعلیمات جبهه ملی و کوشش در پیشرفت مقاصد آن و احتراز از هر نوع اقدام مخالف اصول هدفهای آنست و تخلف از این ترتیب باعث سلب عضویت خواهد شد .

هفتم - تشکیلات جبهه ملی بقرار ذیل است :

- ۱- کنگره جبهه ملی
- ۲- مجمع مسئولان سازمانی (پلنوم)
- ۳- شورای مرکزی
- ۴- هیات اجرائی
- ۵- هیات تفتیش
- ۶- سازمانهای شهرستانها
- ۷- سازمانهای صنفی و اجتماعی

فصل دوم - کنگره جبهه ملی

ماده هشتم - کنگره جبهه ملی عالیترین مرجع جبهه است و بطور عادی هر دو سال یکبار بمنظور انتخاب اعضاء شورای مرکزی و رسیدگی بامور اساسی جبهه و در صورت لزوم اصلاح اساسنامه تشکیل میشود. آئین نامه تشکیل کنگره به پیشنهاد هیات اجرائی، و تصویب شورای مرکزی تنظیم خواهد شد. در صورتیکه کلیه اعضاء هیات اجرائی قبل از موعد مقرر تشکیل کنگره را بطور فوق العاده ضروری بدانند باتصویب دو سوم اعضاء شورای مرکزی کنگره بطور فوق العاده تشکیل خواهد گردید.

فصل سوم - مجمع مسئولان

سازمانی

ماده نهم - مجمع مسئولان سازمانی جبهه ملی شامل جمیع اعضاء شورای مرکزی و اعضاء کمیسیونهای کل (تشکیلات - تبلیغات و انتشارات - تعلیمات و مالی) و اعضاء کمیته شهرستان تهران و اعضاء کمیته های استانها خواهد بود.

ماده دهم - مجمع مسئولان سازمانی جبهه ملی در موارد زیر تشکیل میشود:

۱- در پایان دوره شورای مرکزی در صورتیکه بعلت وجود قوه قاهره (فورس ماژور) تشکیل کنگره میسر نباشد بنا بر پیشنهاد هیات اجرائی و تصویب دوسوم از اعضاء شوری.

۲- در مواردیکه طبق مقررات تقاضای تشکیل کنگره فوق العاده تصویب شده باشد ولی تشکیل آن بعلت وجود قوه قاهره (فورس ماژور) ممکن نباشد.

۳- در مواردیکه هیات اجرائی و یا شورای مرکزی برای شور در امر مهمی جز آنچه که مربوط بوظایف کنگره است تشکیل مجمع مسئولان سازمانی را لازم بدانند.

تبصره - در مواقعیکه مجمع عمومی مسئولان سازمانی برطبق مقررات مذکور بجای کنگره تشکیل میشود میتواند کلیه وظایف کنگره جز اصلاح اساسنامه را اجرا نماید.

فصل چهارم شورای مرکزی

- ماده یازدهم - عده اعضای شورای مرکزی پنجاه تن خواهد بود .
- ماده دوازدهم - اعضاء شورای مرکزی باید دارای وجهه ملی و سوابق آزادیخواهی و خدمتگزاری بملت و حق طلبی و ثبات قدم و پاکدامنی باشند و طوری برگزیده شوند که ترکیب عمومی شوری حتی المقدور معرف نیروهای ملی و طبقات و قشرهای اجتماعی باشد .
- ماده سیزدهم - انتخاب اعضاء شورای مرکزی بترتیب ذیل بعمل خواهد آمد :
- ۱- سی و پنج تن از اعضاء شورای مرکزی هر دو سال یکبار از طرف کنگره جبهه ملی با رای مخفی و اکثریت مطلق اعضاء حاضر در جلسه انتخاب میشوند . هرگاه برای بار اول نسبت بعدهای از صاحبان آرا اکثریت حاصل نیامد برای آنعده مجدداً " رای گرفته خواهد شد و این بار اکثریت نسبی کافی خواهد بود .
 - ۲- پانزده تن دیگر با توجه بقسمت آخر ماده دوازدهم و رعایت مواد اساسنامه در صورت مقتضی از طرف شورای مرکزی انتخاب خواهد شد .
- تبصره اول - هرگاه در طی دوره دو ساله شوری وقبل ازتشکیل کنگره جدید عضوی مستعفی یا فوت شود - شورای مرکزی موظف است بجای او عضو جدیدی با رعایت مواد اساسنامه انتخاب کند .
- تبصره دوم - انتخاب اعضاء جدید بنا برپیشنهاد هیات اجرائی از طرف شوری با رای مخفی و اکثریت دوسوم حاضران در جلسه خواهد بود .
- ماده چهاردهم - وظایف و اختیارات شورای مرکزی با رعایت مصوبات کنگره عبارتست از :
- ۱- رهبری و هدایت و سرپرستی سیاست عمومی و خط مشی و تعیین برنامه های جبهه ملی .
 - ۲- انتخاب هیات اجرائی و نظارت بر اعمال این هیات .
 - ۳- انتخاب هیات تفتیش برای رسیدگی به تخلفات افراد و واحدهای جبهه ملی .
 - ۴- تصویب آئین نامه ها ومقررات مربوط بامورسازمانی از قبیل آئین نامه های مالی و تبلیغاتی و انضباطی .
 - ۵- تصویب بودجه و تفریح بودجه سالیانه جبهه ملی .
 - ۶- اتخاذ تصمیم نسبت بمسائلی که از طرف هیات اجرائی پیشنهاد میشود .

ماده پانزدهم - شورای مرکزی از میان اعضاء خود با رای مخفی و با اکثریت دوسوم حاضران در جلسه یک رئیس و دونائب رئیس و دومنشی برای مدت یکسال انتخاب خواهد کرد .

ماده شانزدهم - جلسه های عادی شورای مرکزی ماهی یکبار منعقد خواهد شد و هرگاه هیات اجرائی و یا هیات رئیسه شوری و یا لاقل ده نفر از اعضاء شوری تشکیل جلسه فوق العاده را برای رسیدگی بامر معینی لازم بدانند - شوری بطور فوق العاده انعقاد خواهد یافت و بهمان موضوع مورد تقاضا رسیدگی خواهد کرد . صورتجلسه شورای مرکزی پس از تصویب در دفتر مخصوصی ثبت و بامضاء رئیس و منشی شوری خواهد رسید .

ماده هفدهم - در مواقع فوق العاده و ضروری شورای مرکزی میتواند با اکثریت سه چهارم اعضاء حاضر اجراء وظایف و اختیارات خود و یا هیات اجرائی را جداگانه و یا تاو اما یک یا چندتن از اعضاء جبهه ملی برای مدت معین واگذار نماید .

ماده هیجدهم - اعضاء شوری مکلف هستند در کلیه جلسه های عادی و فوق العاده شوری شرکت کنند . هرگاه عضوی سه جلسه متوالی و یا شش جلسه متناوب در مدت یکسال بدون عذر موجه (باتشخیص هیات رئیسه) غیبت کند خود بخود از عضویت شوری مستعفی شناخته خواهد شد .

ماده نوزدهم - جلسه های شورای مرکزی وقتی برای اخذ رای صلاحیت دارد که دوسوم اعضاء حاضر در مرکز در جلسه حضور داشته باشند ولی رسمیت شوری با حضور نصف اعضاء حاضر در مرکز تحقق مییابد . تصمیمات شوری به استثنای مواردی که در اساسنامه بنحو دیگری پیشبینی شده باشد با اکثریت آراء حاضران در جلسه اتخاذ میشود .

ماده بیستم - رئیس شورای مرکزی مسئول حفظ انتظامات و تشکیل جلسه و اتخاذ نتیجه از مذاکرات و مراقبت در تنظیم و تصویب صورتجلسه ها و در مواقع لازم مامور امضاء از طرف شوری میباشد . در غیاب رئیس اجرائی این وظایف برعهده نائب رئیس خواهد بود . منشی شوری مسئول تنظیم صورتجلسه ها و ضبط و نگاهداری اوراق و اسناد مربوط است .

ماده بیست و یکم - در صورتیکه یکی از اعضاء شورای مرکزی مرتکب تخلفی شود که برطبق مقررات جبهه ملی مستلزم اخراج نامبرده از جبهه ملی باشد ، پس از رسیدگی از طرف هیات تفتیش و تصویب گزارش آن از طرف شورای مرکزی با اکثریت سه چهارم اعضاء در باره این امر نامبرده از عضویت شورای مرکزی برکنار میشود . تشریفات مربوط بانجام مفاد این ماده در آئین نامه انضباطی پیشبینی خواهد شد .

فصل پنجم - هیات اجرائی

ماده بیست و دوم - هیات اجرائی که عده آن هفت تن خواهد بود برای مدت یکسال از طرف شورای مرکزی با رای مخفی و اکثریت دوسوم حاضران در جلسه از بین اعضای شورای مرکزی انتخاب میشوند. در صورتیکه اکثریت دوسوم پس از دوبار حاصل نشود اکثریت نسبی کافی خواهد بود. در پایان مدت یکسال هنگام تجدید انتخاب - هیات اجرائی گزارش عمل یکساله را به شوری تقدیم و شوری نسبت به انتخاب اعضاء جدید اقدام خواهد کرد.

تبصره - تجدید انتخاب اعضاء هیات اجرائی قبلی مانعی ندارد.

ماده بیست و سوم - هیات اجرائی برای مدت یکسال از بین خود یک تن رئیس و مسئولانی بمنظور اداره امور مالی و امور تبلیغاتی و انتشارات و امور تعلیماتی و امور تشکیلاتی و هیات های وابسته به جبهه منی انتخاب و بشوری معرفی خواهد کرد.

ماده بیست و چهارم - اعضاء هیات اجرائی مکلف اند که به سئوالات اعضاء شوری پاسخ دهند.

ماده بیست و پنجم - اعضاء هیات اجرائی میتوانند با تصویب اکثریت اعضاء هیات اعضاء ضروری لازم دفتری و اداری خود را از بین اعضاء جبهه ملی انتخاب کنند و کمیسیون های فنی مانند کمیسیون امور سیاسی و کمیسیون امور اقتصادی و کمیسیون امور اجتماعی تشکیل دهند و آئین نامه و برنامه کار و فعالیت این کمیسیون ها را با موافقت هیات اجرائی تصویب کنند و در هر مورد مراتب را بشورای مرکزی گزارش دهند.

ماده بیست و ششم - هیات اجرائی مسئول حل و عقد مسائل سیاسی و اداره جبهه ملی و نمایندگی آن و مامور اجرای تصمیمات شورای مرکزی میباشد. اهم وظایف آن عبارتست از:

- ۱- تهیه برنامه ها و تنظیم خط مشی جبهه ملی و پیشنهاد آن برای تصویب بشورای مرکزی.
- ۲- اداره سازمانهای جبهه ملی و اجرای تصمیمات و مصوبات شورای مرکزی و نظارت کامل بر حسن جریان سازمانهای جبهه در مرکز و شهرستانها.
- ۳- تنظیم آئین نامه های داخلی و پیشنهاد آن برای تصویب بشورای مرکزی.
- ۴- تهیه بودجه سالیانه و تفریغ بودجه و پیشنهاد آن برای تصویب بشورای مرکزی.
- ۵- اداره امور مالی و اجرای معاملات و قراردادهای کلیه امور حقوقی مربوط بجبهه ملی.
- ۶- پیشنهاد تشکیل شعب جبهه ملی در شهرستانها بشورای مرکزی و اجرای آن پس از تصویب.

فصل ششم - هیأت تفتیش

ماده بیست و هفتم - شورای مرکزی سه تن از اعضای خود را با اکثریت آراء حاضران بعنوان هیأت تفتیش برای مدت یکسال انتخاب مینماید .

ماده بیست و هشتم - وظایف هیأت تفتیش بقرار زیر است :

۱- نظارت بر کارهای جمیع سازمانهای جبهه ملی .

۲- رسیدگی و اظهارنظر در باره تخلفات افراد و سازمانهاییکه گزارش تخلفات آنان از

طرف هیأت اجرائی به هیأت مذکور احاله شده و یا هیأت تفتیش خود از راه اعلام و شکایت بآن آگاهی یافته است .

ماده بیست و نهم - هیأت تفتیش در مواردی که روش هیأت اجرائی را برخلاف هدفهای جبهه ملی و مصوبات کنگره و شوری تشخیص دهد میتواند با موافقت هیأت رئیسه - شوری را بطور فوقالعاده دعوت نماید و یا گزارش خود را در جلسه عادی مطرح کند .

ماده سی ام - هیأت تفتیش برطبق آئین نامه خاصی که از طرف هیأت اجرائی تنظیم و بتصویب شورای مرکزی خواهد رسید انجام وظیفه میکند .

فصل هفتم - سازمانهای شهرستانها

ماده سی و یکم - در مرکز هراستان یا شهرستان کمیته استان یا شهرستان جبهه ملی بر طبق پیشنهاد هیات اجرائی و تصویب شورای مرکزی بموجب آئین نامه خاص تاسیس خواهد شد .

ماده سی و دوم - کمیته های استانها یا شهرستانها مامور گسترش جبهه ملی و مسئول اداره امور مربوط بان و حفظ انضباط اعضاء و تشکیل حوزهها و سازمانهای صنفی و اجرای تعلیمات هیات اجرائی میباشد و در امور سیاسی قبل از جلب موافقت هیات اجرائی نباید اقدامی بعمل آورند و نیز موظفند که اقدامات و فعالیتهای خود و اوضاع عمومی محل را مرتبا گزارش کنند و در مسائل مهم کشور و آن استان یا شهرستان اظهار نظر نمایند و در صورت لزوم پیشنهادهای مفید به هیات اجرائی ارسال دارند .

ماده سی و سوم - نخستین واحد سازمانی جبهه ملی حوزه است که از پنج تابیست عضو خواهد داشت .

ماده سی و چهارم - وظیفه اساسی حوزهها تبلیغ مرام و هدفهای جبهه ملی وسیعی در ازدیاد اعضاء و اجرای تعلیمات و تصمیمات سازمانهای مافوق و مطالعه در امور سیاسی و اجتماعی و گزارش آن بمراتب بالاتر است .

ماده سی و پنجم - هیات اجرائی موظف است که آئین نامه تشکیل حوزهها و وظایف آنها و امور مربوط دیگر را تهیه و برای تصویب بشورای مرکزی پیشنهاد کند . حوزهها در سلسله مراتب بطور عمومی قرار خواهند داشت .

ماده سی و ششم - در صورتیکه پس از رسیدگی عدم صلاحیت یا عدم انضباط سازمانی از سازمانهای جبهه ملی محقق شود هیات اجرائی آن سازمان را منحل و بر طبق آئین نامه برای تجدید آن اقدام خواهد کرد .

فصل هشتم - سازمانهای اجتماعی و صنفی

ماده سی و هفتم - علاوه بر حوزهها ممکن است سازمانهای دیگری از لحاظ حرفهها و مشاغل واصناف وغیره از اعضاء حوزههای مختلف تشکیل یابد که فعالیتهائی در پیشرفت مرام و هدفهای جبهه ملی بعمل آورند . تشکیلات این سازمانها و تعیین حدود و وظایف آنها بر طبق آئین نامه خاصی خواهد بود که با پیشنهاد هیات اجرائی بتصویب شورای مرکزی خواهد رسید .

ماده سی و هشتم - کمیته های استانها و شهرستانها میتوانند برای پیشرفت امور جبهه ملی با رعایت مقتضیات محلی و تصویب هیات اجرائی سازمانهای اجتماعی یا صنفی خاص ایجاد کنند .

فصل نهم - شرایط عضویت جبهه ملی

ماده سی و نهم - هریک از احزاب عضو جبهه ملی باید مرامنامه و صورت اسامی اعضاء و خلاصه سوابق فعالیت خود را بدبیرخانه جبهه ملی تسلیم دارد و تعهد کند که فعالیت سیاسی خود را با اصول هدفهای جبهه ملی منطبق سازد و انضباط دقیق و پیروی کامل از جبهه ملی را در حدود اساسنامه و تصمیمات متخذ شورای مرکزی جبهه ملی رعایت نماید .

تبصره اول - مدارک مربوط باحزاب در دبیرخانه جبهه ملی محفوظ و مکتوم خواهد ماند .

تبصره دوم - در هر منطقه و صنفی که تشکیلات جبهه ملی شروع بکار کرده است و ادامه کار سازمانی جبهه ملی و توسعه آن با ادامه فعالیتهای سازمانی حزبی بنا بر تشخیص هیات اجرائی جبهه ملی تعارض داشته باشد - احزاب عضو فعالیت سازمانی خود را تا هنگام مقتضی متوقف ساخته با تمام قوا در ایجاد و پیشرفت سازمانهای جبهه ملی کمک و همراهی خواهند کرد .

ماده چهل - افراد داوطلب عضویت جبهه ملی در صورت جمع شرایط ذیل بعضویت جبهه ملی پذیرفته میشوند :

۱- تابع دولت ایران باشند .

۲- کمتر از هیجده سال نداشته باشند .

۳- سابقه ضدیت و خصومت با نهضت ملی نداشته برخلاف قوانین اساسی ایران و علیه آزادیها و حقوق ملت ایران اقدامی نکرده باشند .

ماده چهل و یکم - قبول عضویت افراد در جبهه ملی در صلاحیت سازمانهای شهرستانها و استانها پس از تشکیل خواهد بود . آئین نامه مربوطه از طرف هیات اجرائی پیشنهاد و بتصویب شورای مرکزی خواهد رسید .

ماده چهل و دوم - هر عضو جبهه ملی مکلف است با تمام قوا و وسائلی که در اختیار دارد با نهایت خلوص و ایمان در پیشرفت اصول و هدفهای جبهه ملی بکوشد .

ماده چهل و سوم - هر عضو جبهه ملی مکلف است نسبت بتوانائی مالی خود در تأمین مخارج واجب و ضروری جبهه ملی مبلغی در ابتدای ورود و مبلغی بطور ماهانه بصندوق جبهه بپردازد - میزان و ترتیب پرداخت بموجب آئین نامه ای که بتصویب هیات اجرائی خواهد رسید معین میشود .

آئین نامه اولین کنگره جبهه ملی ایران مقدمه

شورای مرکزی جبهه ملی ایران
برطبق ماده ششم اساسنامه

با توجه بمبارزات تاریخی ومستمر که از آغاز فعالیت مجدد جبهه ملی برای احیای حقوق و آزادیهای عمومی و استقرار حکومت قانونی در ایران بعمل آمده و با توجه به پشتیبانی بیدریغ طبقات مختلف مردم از کارگر و کشاورز و پیشه‌ور و بازاری و کارمند و فرهنگی و دانشجو (دانشجویان ایرانی مقیم در داخل کشور و خارج از آن) -
و با توجه باینکه هرگاه جبهه ملی از حداقل آزادی قانونی برخوردار میبود اولین کنگره آن بشکل یکی از عظیم‌ترین و پرشکوه‌ترین تظاهرات ملت ایران نمودار میشد .
و با توجه باینکه برحسب دستور هیئت حاکمه جبهه ملی از آزادیهای قانونی - از حق اجتماع و سخنرانی و داشتن نشریه و باشگاه برای اجتماعات خود برخلاف قوانین موجود محروم است و سازمانهای آن در طهران و شهرستانها از فعالیت و تجمع ممنوعند و دسته دسته از افراد فعال و موثر آن تحت تعقیب و مورد انواع تهدید و ایذاء قرار گرفته‌اند .

و با توجه باینکه در حال حاضر که حتی از مهمانیهای دوستانه اعضای جبهه ملی جلوگیری میشود امکان تشکیل اجتماعات بزرگ و حوزه‌های وسیع انتخاباتی فراهم نیست -
این آئین نامه را بطور استثنائی در دو فصل و هفده ماده بشرح زیر تصویب مینماید :

فصل اول

انتخاب نمایندگان کنگره

ماده اول - نمایندگان کنگره عبارت خواهند بود از :

- الف - اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران که بطوراستثناء بعنوان اعضای موسس در اولین کنگره شرکت خواهند کرد .
- ب - نمایندگانی که از طرف سازمانهای جبهه ملی بر طبق صورت ذیل انتخاب میشوند :

- ۱- از هیات علمیه وابسته به جبهه ملی ایران در طهران ۲ نفر
- ۲- از سازمان کارگری جبهه ملی در طهران ۱۰ نفر
- ۳- از سازمان بازار " " " ۱۰ نفر
- ۴- از سازمان اصناف " " " ۷ نفر
- ۵- از سازمان کارمندان دولت " " " ۵ نفر
- ۶- از سازمان فرهنگیان " " " ۸ نفر
- ۷- از سازمان کارکنان بانکها و شرکتهای " " " ۵ نفر
- ۸- از سازمان ورزشکاران " " " ۲ نفر
- ۹- از سازمان جوانان " " " ۷ نفر
- ۱۰- از سازمان محلات " " " ۱۰ نفر

- ۱۱- از سازمانهای تشکیلاتی و اداری " (باین شرح: تشکیلات کمیته شهرستان تهران - کمیته تبلیغات و تعلیمات و کمیته مالی - کمیسیونهای اصلی امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و کمیسیون های فرعی آنها) ۷ نفر
- ۱۲- از سازمان زنان جبهه ملی در طهران ۲ نفر

- ۱۳- از سازمان حومه طهران (باین شرح: تجریش
 و قلهک ۲ نفر - کرج - شهریار - شهر ری - کن - ورامین - لوسان -
 دماوند هرکدام یک نفر) ۹ نفر
- ۱۴- از سازمان استانها (هر استان ۷ نفر که عبارتند از آبادان -
 خراسان - فارس و اصفهان) ۲۸ نفر
- ۱۵- از سازمان شهرستانهای اراک و آذربایجان و کاشان (هریک
 سه نفر) ۹ نفر
- ۱۶- دانشگاه طهران بشرح زیر:
 از دانشکده پزشکی ۳ نفر
 از دانشکده دندانپزشکی ۱ نفر
 از دانشکده فنی ۳ نفر
 از دانشکده هنرهای زیبا ۱ نفر
 از دانشکده معقول و منقول ۱ نفر
 از دانشکده ادبیات ۳ نفر
 از دانشکده حقوق ۳ نفر
 از دانشکده دامپزشکی ۱ نفر
 از موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱ نفر
 از دانشکده کشاورزی ۱ نفر
 از دانشکده پلی تکنیک ۳ نفر
 از دانشکده علوم ۳ نفر
- ۱۷- از دانشسرایعالی ۳ نفر
- ۱۸- از دانشگاه ملی ۱ نفر
- ۱۹- از سازمانهای دانشجویان ایرانی خارج از کشور (باین شرح:
 آمریکا ۲ نفر - آلمان یک نفر - اطریش یک نفر - سویس یک نفر -
 انگلستان یک نفر) ۷ نفر
- ۲۰- دانشگاههای شهرستانها و دانشکدههای اهواز و آبادان
 (تبریز - مشهد - شیراز - اصفهان - اهواز - آبادان هرکدام
 یک نفر) . ۶ نفر
- ۲۱- نمایندگان مخصوص احزاب وابسته به جبهه ملی (بدین شرح:
 حزب ایران - حزب ملت ایران - حزب مردم ایران ، هرکدام یک نفر
 ۳ نفر

تبصره - کلیه اعضای جبهه ملی بیش از یکبار حق رای دادن نخواهند داشت .
ماده دوم - هیات اجرایی برای نظارت در انتخابات سازمانهای ملی در مرکز هیئتی مرکب از پنج نفر بعنوان هیات مرکزی نظارت انتخابات معین خواهد کرد . انتخابات در مرکز استانها و شهرستانها برعهده کمیته های استان و شهرستان خواهد بود و بر طبق این آئین نامه عمل خواهند کرد .

ماده سوم - هیئات مرکزی نظارت انتخابات برای هر یک از سازمانها هیات نظارت خاصی مرکب از سه نفر که یکی از آنان با عنوان سرپرست یکی از اعضای شورای مرکزی خواهد بود معین میکند . انتخابات در هر یک از سازمانها به مسئولیت کمیته اصلی و هیات نظارت آن سازمان انجام خواهد گرفت .

ماده چهارم - هر یک از رای دهندگان باید دارای تعرفه رای باشند . نام افراد برای گرفتن تعرفه بوسیله کمیته هر سازمان یا حزب در ظرف بیست روز پس از ابلاغ این آئین نامه به هیات نظارت مربوط داده میشود و این هیات پس از رسیدگی بآنان تعرفه میدهد . کمیته هر سازمان باید جمیع کسانی را که عضو جبهه ملی هستند و سن هیجده سالگی رسیده باشند به هیئت نظارت معرفی نماید .
تعرفه باید دارای امضای رئیس هیات نظارت و مسئول سازمان باشد ، اعضائی که برگ درخواست نامه عضویت جبهه ملی را تاکنون امضاء نکرده اند قبل از دریافت تعرفه باید درخواستنامه را امضاء کنند .

تبصره ماده چهارم - اعضای سازمانهای تشکیلاتی و اداری مذکور در بند یازدهم از ماده اول جمعا " یک حوزه انتخاباتی تشکیل میدهند و تعرفه آنان بامضای رئیس هیات نظارت مرکزی و مسول هر کمیته یا کمیسیون خواهد بود .

ماده پنجم - اعضای واجد شرایط در روز وساعت مقرر در محلهائیکه از طرف هیئت نظارت برای اجرای انتخابات هر سازمان معین و اعلام میشود حاضر شده پس از دریافت تعرفه (بر طبق تبصره ماده چهارم) و تسلیم آن به هیئت نظارت ورقه سفیدی که بالای آن بامضای سرپرست هیئت نظارت رسیده دریافت داشته و در همانجا نام کسانی را که در نظر دارند نوشته رای خود را در صندوق میاندازند .

ماده ششم- کسانی که حق شرکت در انتخابات دارند حق انتخاب شدن را نیز دارا خواهند بود ولی سن نامزد انتخاب نباید کمتر از بیست و یک سال باشد .

ماده هفتم- پس از اخذ رای در هر یک از حوزه‌های انتخاباتی بلافاصله صندوق باز و پس از شمارش و تطبیق عده آرای مأخوذه با دفتر ثبت نام رای دهندگان آراء قرائت و ثبت میگردد و نتیجه در صورت مجلسی که بامضای هیئت نظارت و مسئول سازمان رسیده باشد درج و بهیئت مرکزی نظارت انتخابات فرستاده میشود .

ماده هشتم- هیات نظارت مرکزی انتخابات نتیجه انتخابات و صورت انتخاب شدگان را بهیات اجرائی گزارش داده برای هر یک از منتخبان در ظرف پنج روز پس از رسیدگی بشکایات و احراز صحت جریان انتخابات اعتبارنامه صادر خواهد کرد .

فصل دوم

تشکیل کنگره

ماده نهم- هیات اجرائی پس از انجام یافتن انتخابات و تشخیص حائزان اکثریت و وصول گزارش انتخابات شهرستانها تاریخ و محل تشکیل کنگره را معین کرده باعضای کنگره اطلاع خواهد داد .

ماده دهم- حضور نصف بعلاوه یک از نمایندگان کنگره برای رسمیت یافتن جلسات و مذاکرات کافی است ولی برای اخذ رای و گرفتن تصمیم حضور لااقل دوثلث نمایندگان حاضر در مرکز لازم است .

ماده یازدهم- در نخستین جلسه مسن ترین نماینده کنگره و دو نفر از جوانترین نمایندگان بعنوان رئیس و منشیان موقت در جایگاه هیات رئیسه قرار خواهند گرفت و بلافاصله شروع با انتخابات رئیس و دو نائب رئیس و چهار منشی خواهد شد . انتخابات بارای مخفی خواهد بود . انتخاب رئیس باید با اکثریت مطلق حضاران در جلسه باشد . در صورت عدم حصول اکثریت مطلق در نوبت دوم اکثریت نسبی کافی خواهد بود . برای انتخاب نائبان رئیس و منشیان اکثریت نسبی کافی است .

ماده دوازدهم - پس از انتخاب هیات رئیسه بلافاصله دستور کار کنگره اعلام خواهد شد . طرح مسائل و مذاکرات و پیشنهادات خارج از دستور ممنوع است .

ماده سیزدهم- دستور جلسات کنگره بقرار ذیل است :

۱- در آغاز نخستین جلسه پس از انتخاب هیات رئیسه، رئیس هیات اجرائی گزارش امور سیاسی و تشکیلاتی و انتشارات و تبلیغات و امور مالی جبهه را باطلاع کنگره خواهد رسانید .

۲- کنگره پس از استماع گزارش هیات اجرائی دو کمیسیون بنام کمیسیون سیاسی و خط مشی و کمیسیون اساسنامه و امور سازمانی انتخاب خواهند نمود. اعضای هر کمیسیون یازده نفر خواهد بود و با رای مخفی با اکثریت نسبی انتخاب خواهند شد.

۳- هریک از کمیسیونها موظف است تا دو روز گزارش خود را تهیه و به هیات رئیسه کنگره تسلیم کند. اعضای کنگره میتوانند نظرات خود را کتبا به کمیسیونهای مربوط بدهند.

۴- برای هریک از گزارشها که مطرح میشود سه موافق و سه مخالف صحبت خواهند کرد. حداکثر وقت صحبت هریک از ناطقان ده دقیقه خواهد بود. کنگره در صورت اقتضا میتواند مدت مذکور را تمدید کند.

۵- هریک از کمیسیونهای کنگره از اعضای خود را بعنوان مخبر انتخاب مینماید تا توضیحات لازم را در مورد گزارش کمیسیون باطلاع کنگره برساند.

۶- صورتجلسات کنگره بترتیب بوسیله منشیان نوشته خواهد شد و به امضای رئیس کنگره خواهد رسید.

۷- پس از تصویب اساسنامه جدید اعضای شورای مرکزی جبهه ملی بر طبق شرایط مندرج در اساسنامه انتخاب خواهند شد.

تبصره - شورای فعلی جبهه ملی ایران بنام موسس تصویب مینماید که مصوبات کنگره در هر حال نباید با اصول هدفهای جبهه ملی ایران مندرج در اعلامیه مورخ در سی ام تیرماه سال ۱۳۳۹ و قسمت اول اساسنامه جبهه ملی مغایر باشد و نیز شرایط عضویت در شورای جبهه ملی باید شرایط عضویت مندرج در اساسنامه کنونی را در برداشته باشد. ماده چهاردهم - در صورتیکه بعلت فورس ماژور (قوه قهریه) انتخابات اعضای کنگره در بعضی از سازمانها با تصدیق هیات نظارت ناممکن باشد کمیته اصلی آن سازمان بعده اعضائیکه در این آئین نامه پیشبینی شده است از بین خود و یا از اعضای جبهه ملی نمایندگان منظور را انتخاب و معرفی خواهند کرد.

ماده پانزدهم - هرگاه بعلت فورس ماژور تشکیل کنگره یا ادامه آن ممکن نگردد (چنانکه بسبب تضییقات مذکور تاکنون ممکن نگردیده است) شورای مرکزی کنونی جبهه ملی مامور اجرای این آئین نامه است و تا آخر آبانماه ۱۳۴۱ باید ماموریت خود را انجام دهد.

از طرف شورای مرکزی جبهه ملی ایران - غلامحسین صدیقی



اعضاء اولین کنگره جبهه ملی ایران

۱۲ دیماه ۱۳۴۱

۱- اعضاء شورای مرکزی به عنوان عضو موسس ۳۵ نفر

- | | |
|------------------------------|---|
| ۲۸- جلیل غنی زاده | ۱- سید باقر کاظمی |
| ۲۹- حاج حسن قاسمیه | ۲- اللهیار صالح |
| ۳۰- ادیب برومند | ۳- دکتر غلامحسین صدیقی |
| ۳۱- حسین صدر | ۴- دکتر کریم سنجابی |
| ۳۲- دکتر معین الدین مرجائی | ۵- دکتر مهدی آذر |
| ۳۳- محمد رضا اقبال | ۶- دکتر شاپور بختیار |
| ۳۴- دکتر شمسالدین امیر علائی | ۷- مهندس عبدالحسین خلیلی |
| ۳۵- حسین راضی | ۸- سید محمدعلی کشاورز صدر |
| * * * | ۹- دکتر اردلان |
| ۲- اعضاء هیئت علمیه دو نفر | ۱۰- نصرت الله امینی |
| ۳- نمایندگان کارگران ۱۰ نفر | ۱۱- امیر تیمور کلالی |
| | ۱۲- آیت الله سید باقر جلالی موسوی |
| ۱- عباس علاقبنده | ۱۳- آیت الله حاج سید ضیاء الدین حاج سید جوادی |
| ۲- اصغر گیتی بین | ۱۴- آیت الله حاج سید محمود طالقانی |
| ۳- حسینی | ۱۵- مهندس مهدی بازرگان |
| ۴- بهنیا | ۱۶- دکتر یدالله سبحانی |
| ۵- بیشه‌ای | ۱۷- حسن نزبه |
| ۶- روعسی | ۱۸- دکتر محمد علی خنجی |
| ۷- اسکافیان | ۱۹- ابراهیم کریم آبادی |
| ۸- مجتبی موسوی | ۲۰- علی اشرف منوچهری |
| ۹- محسن نجیمی | ۲۱- مهندس کاظم حسینی |
| ۱۰- حسن لقائی | ۲۲- مهندس احمد زیرک زاده |
| * * * | ۲۳- مهندس جهانگیر حق شناس |
| ۵- سازمان فرهنگیان ۸ نفر | ۲۴- علی اصغر پارسا |
| ۱- دکتر محمد مشیریان | ۲۵- داریوش فروهر |
| ۲- علی اکبر محمودیان | ۲۶- دکتر سعید فاطمی |
| ۳- پرویز شمس | ۲۷- علی اصغر بهنام |

۷- دکتر عزالدین کاظمی

* * *

۹- حومه تهران ۹ نفر

۱- (از شمیران) - محمد حسین پویانفر

۲- عباس زمانی

۳- (از کن) محمدحسن یگانه

۴- (از دماوند) - اکبر چراغی

۵- (از شهریار) - خدارحم زارع

۶- (از کرج) - عباس پور قهرمانی

۷- (از ورامین) - سیدمحمد یاسینی

۸- از لواسان ...

* * *

۱۰- ورزشکاران دو نفر

۱- غلامرضا تختی

۲- مرتضی تاجیکی

* * *

۱۱- بانوان دو نفر

۱- پروانه فروهر

۲- هما دارابی

* * *

۱۲- دانشگاه تهران ۳۰ نفر

* دانشکده پزشکی :

۱- عباس شیبانی

۲- ایرج واحدی پور

۳- سیاکزار برلیان

* دانشکده فنی :

۴- سیدداود خارقانی

۴- مهدی مویدزاده

۵- حبیب الله ذوالقدر

۶- عباس سنگانی

۷- محمود رضا

۸- حسن طالبی

* * *

۶- سازمان جوانان ۷ نفر

۱- احمد سلامتیان

۲- هاشم صباغیان

۳- دکتر مسعود حجازی

۴- نعمت الله عبوض محمدی

۵- مهدی مفیدیان

۶- علی هادی فر

۷- مصطفی آجودانی

* * *

۷- سازمان کارمندان ۵ نفر

۱- علی اردلان

۲- عبدالحسین ثنایی

۳- عباس وزیری

۴- عباس محمودی

۵- حسین شیروانی

* * *

۸- تشکیلات ۷ نفر

۱- حسین شاه حسینی

۲- دکتر فریدون مهدوی

۳- دکتر حسین مهدوی

۴- دکتر هدایت الله متین دفتری

۶- مهندس علی اکبر نوشین

- ۵- عباس نراقی
۶- پرویز اردودری
* دانشسرای عالی :
۷- عبدالحسین ظریفی
۸- خسرو لازم زاده
۹- صفرعلی رستم پور
* دانشکده علوم :
۱۰- جواد لواسانی
۱۱- عزیز دده بیگی
۱۲- مرتضی حسنی نسب
* دانشکده داندان پزشکی :
۱۳- رضا یزدی
* دانشکده داروسازی :
۱۴- منوچهر بیات
* دانشکده هنرهای زیبا :
۱۵- بامداد ارفع زاده
* دانشکده دامپزشکی :
۱۶- حسین خرازیان
* دانشکده معقول و منقول :
۱۷- حبیب الله حبیب زاده
* موسسه علوم اجتماعی :
۱۸- حسن حبیبی
* دانشکده کشاورزی :
۱۹- منوچهر مجیدی
۲۰- عباس اخوی زادگان
- * مدرسه پلی تکنیک :
۲۱- رضا کردستانی
۲۲- مرتضی مقدم
۲۳- مصطفی شاعیان
* دانشکده حقوق :
۲۴- ابوالحسن بنی صدر
۲۵- مجید احسن
۲۶- سعید نکویی
* دانشکده ادبیات :
۲۷- حسن پارسا
۲۸- هوشنگ کشاورز صدر
۲۹- محسن گلکار
* دانشگاه ملی :
۳۰- مهرداد ارفع زاده
* * *
- * سازمان دانشجویان خارج از کشور :
۳۱- دکتر سید یوسف جلالی موسوی
* * *
- ۱۳- سازمان اصناف ۷ نفر
۱- حسن میرمحمد صادقی
۲- مهدی غضنفری
۳- حسن هادیفر
۴- حسن خرمشاهی
۵- روح الله جیره بندی
۶- انوشیروان نصرتی

۷- حسین نایب حسینی

* * *

۱۴- سازمان بانکها و شرکت ها ۵ نفر

۱- سعید سمندری

۲- کیامرز شاملو

۳- رضا مرشدی

۴- علی اصغر افشار کهن

۵- ابوالفضل قاسمی

* * *

۱۵- نمایندگان مخصوص احزاب ۳ نفر

۱- از حزب ایران - مهندس نظام الدین موحد

۲- از حزب ملت ایران - مهدی صدیقی

۳- از حزب مردم ایران - دکتر کاظم سامی

نمایندگان سازمانهای استانها و شهرستانها

۱- سازمان استان اصفهان ۸ نفر

۱- دکتر دبیری

۲- حسن قوامی زاده

۳- محمد سپاهانی

۴- احمد قیصری

۵- دکتر عبدالرحمن برومند

۶- دکتر محمد سیاسی

۷- محمد علی خزالی

۸- دکتر احمد هاشمی

* * *

۲- سازمان استان آذربایجان ۸ نفر

۱- حاج سیدمحمد علی انکجی

۲- علی زرینه باف

۳- سیدمحسن خلخالی

۴- محمد علی بهروزین

۵- دکتر منصور اشرفی

۶- محمد حسین خامنه

۷- دکتر عطاری

۸- مسعود رضایی

* * *

۳- سازمان استان فارس ۸ نفر

۱- جلال الدین ایت الله زاده

۲- مهندس علیمحمد ایزدی

۳- حسام فیثی

۴- حیدرعلی تحابتی

۵- دکتر حبیب پیمان

۶- دکتر مرتضی کسرائیان

۷- منصور معینی

۸- دکتر علی شریعتمداری

* * *

۴- سازمان استان خراسان ۸ نفر

۱- طاهر احمدزاده

۲- صارم کلالی

۳- احمد حکیمی

۴- دکتر فضل نژاد

۵- محمود دل آسایی

۶- سیدهادی کاظمی

۷- سیدجواد مادرشاهی

۸- عبدالوہاب بناٹی

۵- سازمان شهرستان کاشان ۳ نفر

۱- حسین خامچی

۲- حسین شریف

۳- جواد ملکی

۶- سازمان شهرستان اراک ۳ نفر

۱- امیررستم پور شیرازی

۲- اسدالله مجدی

۳- حسین واعظزاده حکیم اللہی

۷- سازمان شهرستان آبادان ۴ نفر

۱- مهندس ایزدی

۲- مهندس مدرسی

۳- مصطفی صالحی

۴- یوسف صدیق (دانشکده فنی نفت)

۸- دانشکده پزشکی و دانشکده کشاورزی اهواز ۱ نفر

۱- ماشاء اللہ مدیحی

منتخبین شورای مرکزی جبهہ ملی از طرف کنگرہ

۱- مهندس کاظم حسینی

۲- اللہیار صالح

۳- سیدباقر کاظمی

۴- اصغر پارسا

۵- حاج سید ضیاء الدین سیدجوادی

۶- مهندس جهانگیر حق شناس

۷- مهندس عبدالحسین خلیلی

۸- دکتر کریم سنجابی

۹- دکتر غلامحسین صدیقی

۱۰- دکتر مهدی آذر

۱۱- آیت اللہ سیدباقر جلالی موسوی

۱۲- حسن میرمحمد صادقی

۱۳- مهندس احمد زیرک زاده

۱۴- داریوش فروهر

۱۵- غلامرضا تختی

۱۶- علی اشرف منوچہری

۱۷- مهندس مهدی بازگان

۱۸- حسین شاہ حسینی

۱۹- دکتر شاپور بختیار

۲۰- آیت اللہ سید محمود طالقانی

۲۱- حاج محمود مانیان

۲۲- اصغر گیتی بین

۲۳- دکتر محمد علی خنجی

۲۴- دکتر اردلان

۲۵- حاج حسن قاسمیہ

۲۶- دکتر فریدون مهدوی

۲۷- سید محمد علی کشاورز صدر

۲۸- عباس نراقی

۲۹- مہرداد ارفع زادہ

۳۰- دکتر سید یوسف جلالی موسوی

۳۱- ابراہیم کریم آبادی

۳۲- علی اردلان

۳۳- دکتر شمس الدین امیر علایی

۳۴- مهندس علی اکبر نوشین

۳۵- نصرت اللہ امینی

۳۶- دکتر مسعود حجازی

۳۷- دکتر سحابی

۳۸- حسن نزہہ

۳۹- دکتر سعید فاطمی

